



کرنا (نقش برجستہ طاقستان)

کی

کاپری چیو [Kāpri Ciyo]: به یک قطعه شاد موسیقی اطلاق میشود.

کاتب، حسن [Hasan Kāteb]: نویسنده و تئوریسین موسیقی در سده هفتم هجری. او نویسنده کتاب کمال ادب الغناء است.

کاتبی [Kātebi]: شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری از شاعران ایران در سده نهم هجری است. کاتبی در سال ۸۳۹ در استرآباد بعلت ویا که همه جاگیر شده بود درگذشت. مقبره او در قبرستان نه گوران، بیرون زیارتگاه امام معصوم است. آثار این شاعر بزرگ عبارت است از: ۱- دیوان شعرا و ۲- خمسۀ کاتبی، مشتمل بر: گلشن ابرار و مجمع البحرین.

کاراپتیان، دیمتری [Dimitri Kārāpetyān]: نوازنده ارکستر سنفونیک تهران و استاد تعلیم موسیقی در موزیک ارتش در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

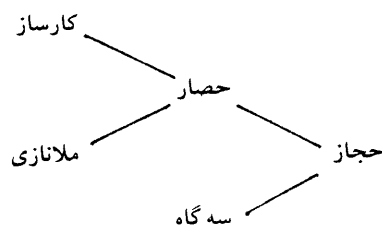
کاراپتیان، واروژ [Vāruž Kārāpetyān]: از هنرمندان سرشناس در قسمت صدا و دوبلاژ در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی که همکاری نزدیکی با زنده یاد روییک منصوری داشت.

کاربخش، مجید [Majid Kārbaxš]: مجید کاربخش در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. در کودکی به هنرستان عالی موسیقی تبریز رفت و تحت نظر آشوت بابایان نواختن فلوت را آموخت. سپس به تهران آمد و در دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی ثبت نام کرد و زیر نظر استاد هائی چون مهدی جامعی (فلوت)، هوشنگ استوار (هارمونی، کنترپوان و فوگ)، شفیقه صدقی (پیانو) به فراگیری موسیقی پرداخت. مجید کاربخش بمدت ۱۸ سال از همکاران نزدیک ارکستر سنفونیک تهران بود. او در حال حاضر بعنوان استاد موسیقی در هنرستان عالی موسیقی پسران بکار اشتغال دارد.

کار خیران، سیامک [Siyāmak Kārxirān]: نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران.

آ،ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkeš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

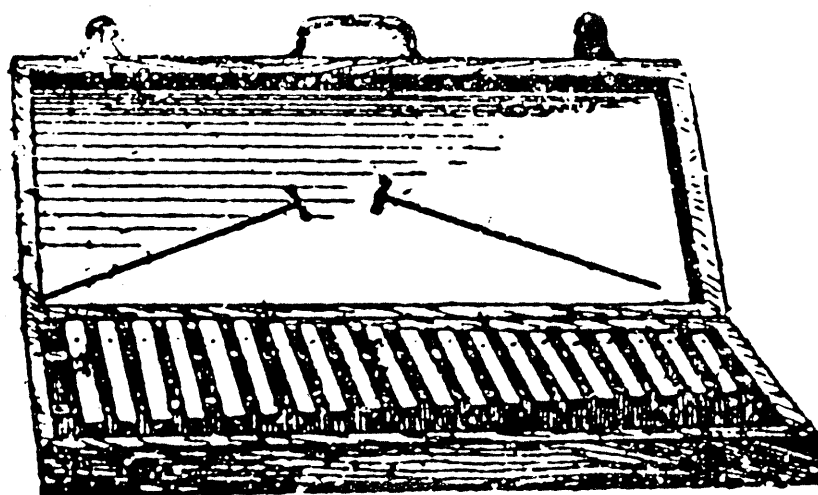
کارساز [Kársáz]: گوشه ای از شعبه حصار در موسیقی مقامی گذشته که امروز مشهود نیست.



کارلو [Károlo]: از مشهورترین خوانندگان ایرانی در استرالیا که از او آلبوم: عزیز رفته در دسترس مییاشد.

کارنای [Kárnay]: سورنا، کرنا، نای بزرگ. سازی است بادی، با جثه درشت و دراز. کارنای در حقیقت همان نای جنگی یانای کارزار است.

کاریون [Káryoun]: سازی است کوبه ای و آن لوح های فلزی باریک با اندازه های متفاوت است که در جعبه ای کنارهم چیده میشوند و نوازنده با دو کوبه به آنها می کوبد. جنس لوح ها را معمولاً از برنز میسازند.

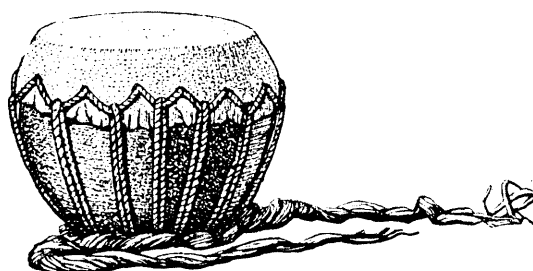


آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کازرونی، خواجه ملا [Xáje Mollá Kázeruni]: خواجه ملا کازرونی از موسیقیدانها و خوانندگان معاصر سلطان محمد و شاه عباس اول است.

کاس یا کاسه [Kás yā Káse]: در فارسی به معنی دُهل و نقاره است. در هندوستان فنجان ساز، نامیده میشود.

این ساز، کاسه ای بزرگ از جنس مس یا برنز است که به دهانه آن پوست کشیده اند و با کوبه ای چرمی به آن می کوبند. در اکثر فرهنگ ها، کاس را به معنی کوس که نقاره ای بزرگ است، نوشته اند.



کاسات [Kásat]: سازی است کوبه ای که از تعدادی کاسه از جنس فلز، چینی، بلور یا سفال که در کنار یکدیگر قرار داده اند، تشکیل میشود. کاسه ها را با دو کوبه چوبی یا فلزی که بر لبه آنها میکوبند، بصدا در میآورند.

کاس پیل [Káse Pil]: سازی است کوبه ای درشت از رده کوس. این ساز را بهنگام نبرد بر پشت فیل می بستند و آنرا برای تحریک و تولید وحشت بصدا در میآوردند.

کاسپین [Káspiyan]: شرکت تولید کننده نوارهای موسیقی ایران. این شرکت در کنار تولید نوار به کار دوبله فیلم، خصوصاً تلویزیونی آن نظیر بالاتراز خطر و چاپارل نیز اقدام میکرد. مدیریت این شرکت با آقای طبیبیان بود. پس از انقلاب ۵۷ این شرکت در آمریکا برای مدتی به فعالیت و حیات خود ادامه داد و اینک تولیدی از آن با نام کاسپین مشاهده نمیشود.

آ,ا A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Írán) I,i وحدان (Vojdán) V,v Cub) چوب C,c U,u Z,z زاله (Zále)

طبیعیان در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می‌کنند، و مشغول بازگشائی آن در لس آنجلس میباشد.

کاسپین اینترتیمنت [Káspiyan Intertaynment]: تشکیلات جدید برگزارکننده کنسرت در آمریکا که ترتیب کنسرت هنرمند توانای ایران گوگوش را در لس آنجلس به تاریخ ۱۹ آگست ۲۰۰۰ داده است.

کاستان [Kástàn]: به معنی دو کاسه است، در قدیم به قاشقک اطلاق میشده است. کاستان از دو قطعه چوب مقعر تشکیل میشده که رقاصان به دو انگشت خود می‌بستند و بهنگام رقص، ریتم آهنگ را حفظ می‌کردند.

کاستانیت [Kástànìt]: سازی است ضربی که ایرانیها به آن قاشقک و فرانسویها به آن کاستانیت می‌گویند. لطفاً به قاشقک نگاه کنید.

کاسه [Kàse]: به معنی طبل و کوس و نقاره بزرگ آمده است.

کاسه‌گری [Kàsegari]: از الحان موسیقی در دوره ساسانیان.

کاشانیان، حسن [Hasan Kàšànyàn]: نوازنده زبردست ویلن و از همکاران نزدیک خانم دلکش که در تهران فعالیت دارد. حسن کاشانیان در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در بخش ۵ تهران بدنیا آمد. در ۷ سالگی با تشویق پدرش به نواختن ساز سنتور روی آورد. در همسایگی آنها هنرمندی بود بنام جواد خاکساری که از نوازندگان موزیک ارتش بود. حسن، بمدت ۵ سال نزد او به فراگیری نت و موسیقی مشغول شد. بعدها بخاطر شنیدن ویلن پرویز یاحقی به این ساز روی آورد و جهت آموختن ویلن نزد زاون اوهانیان رفت و هفت سال ویلن را از او آموخت.

حسن کاشانیان، برای تکمیل اندوخته های هنری خود، نزد استاد علی تجویدی رفت و هفت دستگاه موسیقی را از او آموخت.

کاشانی، شهرام [Šahrām Kašāni]: خواننده موفقی از نسل نوکه در لس آنجلس فعالیت دارد. از شهرام کاشانی در سالهای اخیر آلبومهای متعددی اجرا و ضبط و پخش شده است از آن جمله: Friends, K-I: هوس و عطش.

کاشمر، موسیقی [Musiqiye Kašmar]: موسیقی کاشمر، با وجود پیوندهای بسیار با موسیقی تربت جام و مناطق جنوبی خراسان، دارای برخی ویژه گی های خود میباشد. بخش مهمی از آوازهای کاشمر را «فریادی» ها یا بعبارت دیگر چهاربیتی ها تشکیل میدهند. فریادی ها، معمولاً، بی همراهی ساز خوانده میشوند، هرچند ممکنست با نی همراهی شود. فریادی ها، در قدیم، بیشتر توسط، ساریانان و چوپانان در بیابان خوانده میشده است. از نمونه های آواز فریادی در موسیقی کاشمر میتوان به فراغی و حسینا اشاره نمود.

چهاربیتی، از نظر ساختمان شعر، در حقیقت همان دو بیتی است که به اعتبار دارا بودن چهار مصرع، آنرا چهاربیتی می گویند. این شکل از شعر به جز در آوازهای فریادی، در اشعار لالائی مادران نیز مورد استفاده دارد. بخش دیگری از آوازهای کاشمر را آوازهای معروف به پادایرگی و آوازهای مربوط به عروسی چون: حنابندون، به حمام بردن داماد، اسب چوبی و مبارک تشکیل میدهد.

از دیگر آوازهای مهم در موسیقی کاشمر، سرحدی و مُصیب (غریبی) میباشد. بخش دیگری از آهنگ ها و آوازهای متداول در کاشمر، همان آهنگها و آوازهایی است که در مناطق جنوب و شرق خراسان رایج است. نظیر: آشتر خجه، سبزپری، جمشیدی و گل نار و... از آهنگهای ضربی متداول در موسیقی کاشمر: بی بی جان قرائی، شهربانو، کوهی، آی نگار و گلنار را میتوان نام برد. سازهای رایج در کاشمر: دوتار، دو سازه، سورنا، نی، دُهل و دایره است.

کاشی [Kaši]: گوشه ای از آواز دشتی، در ردیف مکتب اصفهان است.

کاشی، احمد [Ahmad Kaši]: نوازنده چیره دست ضرب در اواخر دوره ناصرالدین شاه و زمان سلطنت مظفرالدین شاه بوده است. احمد کاشی بیشتر با میرزا حسین قلی و برادرش میرزا عبدالله همکاری داشته است.

کاشی، غفار [Qaffār Kāši]: لطفاً به غفار کاشی، حسین نگاه کنید.

کاشی، مرشد حبیب‌اله [Moršed Habib-ollāh Kāši]: ضرب گیر و مرشد زورخانه پاچنار نزدیک بقعه سید ولی که آن زورخانه را پهلوان اکبر خراسانی، پهلوان پایتخت در اواخر عهد ناصرالدین شاه دایر کرده بود. مرشد حبیب‌اله کاشی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. در زمان وفات هفتاد سال داشت.

کاشی، موسی [Musā Kāši]: موسی کاشی خانی، نوازنده زیردست کمانچه در دستگاه ناصرالدین شاه بوده است.

موسی کاشی در کاشان زندگی میکرد و آوازه شهرت او بگوش ناصرالدین شاه رسید. کمانچه این هنرمند، ۶ سیم داشت. موسی کاشی در یکصد سالگی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در کاشان چشم از جهان فرو بست.

از شاگردان این هنرمند، میتوان به باقر خان، یوسف خان و سلیمان خان اشاره داشت.

کاشی، یحیی [Yahyā Kāši]: یحیی کاشی، موسیقیدان سده هفتم و هشتم هجری است که بدستور شاه ابواسحاق اینجو، کتاب «ادوار» نوشته صفی‌الدین ارموی را به فارسی ترجمه کرد. نسخه‌ای از این کتاب، در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری میشود.

کاظمیان، ایرج [Iraj Kāzemyān]: ایرج کاظمیان در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در کودکی به کلاس زنده یاد اسکوئی رفت و نواختن سنتور را زیر نظر هنرمندی بنام ناصر حمیدی آغاز نمود.

پس از سه سال آموزش دیدن به کلاس استاد فرامرز پایور رفت و بمدت ۵ سال نزد این استاد گرانقدر به تکمیل هنر خود پرداخت. ایرج کاظمیان به غیر از سنتور با نواختن ویلن نیز آشنائی کامل دارد.

کاظمی، داود [Dāvud Kāzemi]: نوازنده زیردست فلوت در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی و از همکاران نزدیک ضیاء محتشمی پور، رشید مغربی، رضا همدانی و جواد بخشی.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
 Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوبن برای درست خواندن

کاظمی، لطیف [Latif Kāzemi]: خواننده سرشناس ترانه های محلی آذربایجانی.

کاظمی، مسعود [Maswud Kāzemi]: ترانه سرای ساکن لس آنجلس که ترانه: دزد دل با صدای شیوا از سروده های اوست.

کاظمی، مهرداد [Mehrdād Kāzemi]: مهرداد کاظمی خواننده مشهور در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او دوران دبستان را در مدرسه قدوسی و متوسطه را در دبیرستان های امین الدوله و مروی به پایان رسانید. او در ۱۶ سالگی، در امتحان ورودی رادیو تلویزیون شرکت کرد و پذیرفته شد. او در سال ۱۳۵۰ نزد زنده یاد ادیب خوانساری رفت و چهار سال از علم او بهره برد. پس از آن به هنرستان عالی موسیقی رفت و چهار سال نزد زنده یاد محمود کریمی و پس از آن دو سال نزد محمد رضا شجریان به تکمیل اندوخته های هنری خود پرداخت. مهرداد کاظمی دارای لیسانس موسیقی و دکترای افتخاری ارزشیابی هنری است. از کارهای زیبای او میتوان به: ای ساریان، آلبوم بهاران، جام جان، مینای دل و گلبانگ عارفان اشاره داشت.

کاظمی، هوشنگ [Hušang Kāzemi]: (درویش) نوازنده چیره دست سه تار و دف و خواننده ترانه های محلی لری که در تهران فعالیت دارد.

کافی، حسین [Hoseyn Kāfi]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی تهران در رشته کنترباس.

کافی، مهرداد [Mehrdād Kāfi]: خواننده سرودهای حماسی که در تهران فعالیت دارد. این خواننده در اجرای موسیقی اصیل ایرانی نیز مهارت لازم را داراست.

کافی، همایون (حسین) [Homāyun Kāfi]: حسین کافی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد، از ۹ سالگی به هنرستان عالی موسیقی رفت و ابتداء سازهای ویلن و پیانو را انتخاب نمود. پس

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

از دو سال نزد هنرمندانی چون: سوکولوف، پوپوف و ذوالفقاری، نواختن کنترباس را آغاز کرد و سپس به فراگیری و نواختن گیتار و ماندولین روی آورد.

اولیسانس خود را در رشته تخصصی کنترباس در ۱۳۵۴ دریافت کرد. کافی از ۱۶ سالگی همکاری خود را با رادیو و با ارکسترهای فرهنگ و هنر آغاز کرد و در سن ۱۸ سالگی وارد ارکستر سمفونیک تهران شد. در سال ۵۶ به پاریس رفت و فوق لیسانس خود را در رشته کنترباس دریافت کرد. حسین کافی در سال ۱۳۶۵ بر اثر تضادف اتوموبیل چشم از جهان فرو بست.

کافی همدانی [Kāfi Hamadāni]: کافی ظفر همدانی از شاعران بزرگ ایران در عهد سلجوقیان و معاصر ملکشاه بوده است. سبک و کلام او هم سبک شاعران سده ششم است.

کاکاردایی، دستگاه موسیقی [Dastgāhe Musiqi Kākā-radāyi]: از دستگاه های موسیقی اهل حق که اگر دستگاه طرز را بفاصله پنجم بالائی انتقال دهیم، دستگاه کاکاردایی بدست می آید که نام یکی از اصحاب شاه خوشین بوده است. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به طرز، دستگاه موسیقی نگاه کنید.

کاکوفونی [Kākofoni]: به صدای ناموزون و بد آهنگ اطلاق میشود.

کالاندو [Kālāndo]: به مفهوم تضعیف و کم کردن تدریجی صدا در انتقال از یک جمله یا یک دوره پُر شور و هیجان به جمله یا دوره آرام تر با روحیه ای ظریف تر اطلاق میشود.

کامجو، سعید [Sawid Kāmju]: نوازنده چیره دست کمانچه که در تهران فعالیت دارد.

کام دار، ناصر [Nāser Kāmdār]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی تهران در رشته ترومبون.

کامران [Kāmran]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او ترانه «وای بحال دلم» در آلبوم دلباختگان،

آ,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

همراه با ترانه هائی با اجرای فائزه و عطا و ذبیح در دسترس میباشد.

کامران، طلیعه [Taliwe Kámran]: نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان حبیب سماعی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۴ خورشیدی.

کامکار، اردشیر [Ardešir Kámkár]: نوازنده چیره دست کمانچه در سال ۱۳۴۱ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. از ۷ سالگی تحت نظر پدر به آموختن ویلن پرداخت. او ساز کمانچه را در کنار ویلن آموخت. در ۱۹ سالگی با گروه عارف و شیدا همکاری خود را آغاز کرد.

کامکار، اردوان [Ardaván Kámkár]: نوازنده چیره دست سنتور و از همکاران نزدیک استاد علی تجویدی. در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. در کودکی نظیر دیگر برادران هنرمندش، موسیقی را نزد پدرش حسن کامکار آموخت. او ساز سنتور را انتخاب کرد. او همکاری نزدیکی با برادرانش دارد.

کامکار، ارژنگ [Arjang Kámkár]: نوازنده چیره دست ضرب و از اعضاء خانواده هنرمند کامکار که در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. موسیقی را از کودکی نزد پدر آموخت، وی ابتداء سنتور، جاز و بالاکره تنبک را انتخاب نمود. او در سال ۱۳۵۴ به تهران آمد و بعد از اتمام تحصیلات متوسطه به دانشکده هنرهای زیبا رشته نقاشی رفت. ارژنگ کامکار در سال ۱۳۵۵ به رادیو ایران رفت و همراه با گروه شیدا به رهبری محمد رضا لطفی همکاری خود را آغاز نمود.

کامکار، ارسلان [Arsalán Kámkár]: نوازنده چیره دست ویلن، در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. از ۷ سالگی آموختن ساز ویلن را نزد پدرش آغاز کرد. او در کنار ویلن، نواختن عود را نیز فرا گرفت. در سال ۱۳۵۸ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و تحت نظر منوچهر انصاری نوازندگی ویلن را ادامه داد.

ارسلان کامکار بعد از انقلاب به ارکستر سنفونیک تهران وارد شد و تا بحال با این ارکستر همکاری دارد.

آ,â A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (السنای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdán) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

کامکار، بیژن [Bižan Kāmkār]: نوازنده زبردست دف، تار و خواننده خوش صدا در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. مقدمات موسیقی را نزد پدرش حسن کامکار آموخت. از ۶ سالگی در برنامه کودک رادیو سنندج آواز می خواند. در سال ۱۳۵۳ به تهران آمد و به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت. همزمان با تحصیل، همکاریش را با گروه شیدا به سرپرستی محمدرضا لطفی آغاز نمود. ساز اصلی این خواننده، تار میباشد. از اجراهای زیبای این هنرمند میتوان به: حصار، از حسین علیزاده، کجائید ای شهیدان، از حسین علیزاده و زردی خزان از ارسلان کامکار اشاره داشت.

کامکار، پشنگ [Pašang Kāmkār]: نوازنده چیره دست سنتور و برنده جایزه اول سنتور در آزمون بارید (سال ۱۳۵۵) به همراه پرویز مشکاتیان، در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. از ۷ سالگی تحت نظر پدر شروع به فراگیری موسیقی نمود. او از کودکی همکاری خود را با رادیو سنندج آغاز کرد. در سال ۱۳۵۶ دوره لیسانس موسیقی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را بپایان رسانید. او از بنیان گزاران گروه موسیقی شیدا است.

کامکار، حسن [Hasan Kāmkār]: حسن کامکار، پدر کامکارها که نام اصلی او حسن سوری است از موسیقیدانهای معروف و تأثیرگذار در موسیقی ایران، خصوصاً در موسیقی گُردی است. حسن کامکار، تار و ویلن را شیرین می نواخت و در دسته موزیک ارتش با انواع سازهای بادی آشنائی کامل پیدا کرد. او مشوق بچه هایش در امر آموختن موسیقی بود. تکیه کلام حسن کامکار این بود، می خواهم، بچه هایم در موسیقی بقدری پیشرفت کنند که شهرت شان مثل توپ صدا کند و خوشبختانه چنان شد که پدر می خواست.

استاد حسن کامکار سالها در سنندج (سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی) با همکاری استاد گرانقدر حسین یوسف زمانی، حسین فلسفی و حاجی مدنی مبادرت به تأسیس اولین کلاس موسیقی در سنندج نمودند.

او سالها به جمع آوری و نت نویسی موسیقی گُردی پرداخت و بیش از ۴۰۰ قطعه و ترانه را ثبت نمود.

کامکار، قشنگ [Qašang Kāmkār]: تنها دختر خانواده هنرمند کامکار که نوازنده سه تار است. قشنگ کامکار در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد و از کودکی نظیر برادرانش تحت تعلیم پدر خود حسن کامکار قرار گرفت. زنده یاد حسن کامکار، موسیقیدان بزرگ‌گردد، علیرغم جو حاکم در آن زمان و اختلافی که بین پسران و دختران از نظر موسیقی می‌گذاشتند، بدون کوچکترین توجه، به آموزش تنها دخترش اهتمام گزید و امروزه قشنگ کامکار در زمره نوازندگان زیردست سه تار است.

کامکار، هوشنگ [Hušang Kāmkār]: هوشنگ کامکار در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در سنندج بدنیا آمد. موسیقی را در کودکی با نواختن سنتور آغاز کرد و سپس به فراگیری ویلن و تئوری موسیقی پرداخت. پس از اتمام دوره دبیرستان به تهران آمد و به هنرستان عالی موسیقی ملی رفت. در سال ۱۳۴۸ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و مدرک لیسانس خود را در رشته آهنگسازی دریافت داشت. او مدتها در ایتالیا به فراگیری هارمونی پرداخت. پس از ایتالیا، او به آمریکا آمد و در رشته تاریخ موسیقی از دانشگاه موسیقی سانفرانسیسکو فارغ‌التحصیل گشت. هوشنگ کامکار در زمان انقلاب به ایران بازگشت و به کار تدریس موسیقی پرداخت.

کامل جهرمی [Kāmel Jahromi]: قوام الدین عبدالله جهرمی، متخلص به کامل از شاعران نیمه دوم سده دهم و نیمه اول سده یازدهم است. او در جهرم بدنیا آمد و در شیراز به کسب علم مشغول شد. در ۲۵ سالگی به دکن هندوستان رفت و مدتها در شهرهای مختلف آنجا سرگردان بود. از او مثنوی محمود و ایاز و دیوانی شامل پنج هزار بیت بجا مانده است.

کاموسی، یوسف [Yusef Kāmusi]: (جدید زاده) زنده یاد کاموسی، نوازنده چیره دست عود و از همکاران نزدیک جواد بدیع زاده، مهدی خالدی، علی اکبر پروانه و علی زاهدی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۴، در سال ۱۲۸۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از ۸ سالگی نزد هنرمند ناشناسی بنام یوسف، بصورت سنتی نواختن تار را آغاز کرد و بعدها نزد غلام حسین درویش رفت. کاموسی از سال ۱۳۲۱ همکاری خود را با رادیو تهران آغاز نمود.

او در جوانی در خیابان سیروس، کوچه آقا موسی زندگی می‌کرد و آن زمان تار می‌نواخت. بعدها در سفری که به عراق، لبنان و سوریه داشت به عود روی آورد.

یوسف کاموسی، عود را دوباره در ایران زنده نمود. در سال ۱۳۲۹ خورشیدی کاموسی با خواننده مشهور آن زمان، فروغ سهامی جهت اجرای کنسرت به بغداد رفت. این هنرمند، پسری داشت که مبتلا به اختلال حواس بود و در یک روز تابستان سال ۱۳۶۶ که پدر بخواب رفته بود، پسر با قند شکن به مغز پدرش کوبید و او را کشت.

کامیان، جهانگیر [Jahāngir Kāmiyān]: استاد جهانگیر کامیان در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

در کودکی به کلاس استاد عبدالله جهان پناه رفت و سپس استاد ابوالحسن صبا، آموزش او را برعهده گرفت. جهانگیر کامیان پس از یادگیری موسیقی ایرانی به ایتالیا رفت و موسیقی کلاسیک را آموخت. در ایتالیا، پیانو، سلفژ و ساز شناسی را فرا گرفت.

پس از بازگشت به ایران بمدت ۱۵ سال در رادیو ایران بکار اشتغال داشت. او بالغ بر یکصد و چهل آهنگ ساخته که با صدای خوانندگان مختلف اجرا و ضبط شده است. او از سال ۱۳۳۶ آغاز به تعلیم شاگرد کرد. کانون هنر در خیابان نادری و آکادمی موزیک و کانون موسیقی چنگ، تشکیلاتی بوده و هستند که او در آنجا به تدریس مشغول بود. از شاگردان استاد جهانگیر کامیان میتوان به محمدرضا شریفی و بیژن مرتضوی اشاره داشت.

کانتابيله [Kāntābile]: آواز گونه، آواز مانند.

کانتو [Kānto]: بالا ترین بخش آوازی، ترانه، نغمه و سرود.

کانون موسیقی [Kānune Musiqi]: کلاس موسیقی به سرپرستی هنرمندان عباس شاپوری و بهرام بدخش که در سال ۱۳۲۷ در امیریه تأسیس شد.

کانون موسیقی چنگ [Kānune Musiqiye Cang]: کلاس موسیقی واقع در سه راه زندان، جاده قدیم شمیران که در سال ۱۳۴۹ به همت، استاد جهانگیر کامیان تأسیس شد و شاگردانی را تعلیم داد که هر کدام، در حال حاضر از برجسته ترین هنرمندان ایرانی در زمینه موسیقی بشمار میروند، از جمله محمد

آدم (Ādam) A,a A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vokdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

رضا شریفی و بیژن مرتضوی.

کانون هنر [Kánune Honar]: کلاس موسیقی در خیابان نادری تهران به سرپرستی استاد جهانگیر کامیان.

کاووسی، حسن [Hasan Kávosi]: خواننده خوش صدا سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی که ترانه ماندگار «از سفر برگرد» ساخته علی محمد نامداری از او وجود دارد.

کاویزنه [Kávizane]: یکی از الحان موسیقی قدیم ایران است.

کاهی کابلی [Káhi Káboli]: سید نجم الدین ابوالقاسم کابلی، متخلص به کاهی، از شاعران معروف در دربار همایون شاه (۹۳۷ - ۹۶۳) و جلال الدین اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴) است. او در میانکال، واقع در بین سمرقند و بخارا بدنیا آمد و در جوانی به هرات رفت. این شاعر در سال ۹۸۸ در هندوستان چشم از جهان فرو بست. دیوان او، شامل ۱۷۲۸ بیت است. او رساله ای در علم موسیقی نوشته است.

کبابی، ابوالفضل [Abolfazl Kabábi]: از تعزیه خوانهای مشهور ۵۰ سال پیش تهران.

کبابی، میرزا محمد [Mirzà Mohammad Kabábi]: از تعزیه خوانهای مشهور در تهران. سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

کَبَر [Kabar]: نوعی طبل بزرگ و یک رویه بوده است.

کبری [Kobrà]: گوشه ای در دستگاه چهارگاه و آواز ابوعطا است. نام دیگر کبری، گوری است.

کُبرا [Kobzà]: سازی است رشته ای مقید از رده عود یا بریط. در ترکیه به این ساز قبوز QOBOZ

میگویند. کبزا را با مضراب می نوازند و تفاوت آن با قبوز این است که قبوز را با آرشه می نوازند و شباهت

آ, a آدم (Ádam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyám)

وات های (النسای) نوین برای درست خواندن ایران (Irán) I, i وجدان (Voklân) V, v O, o جوب (Cub) C, c U, u زاله (Zâle) Z, z

قبوز به رباب است ولی کبزا شباهت به عود دارد.



کبک دری [Kabke Dari]: از الحان سی گانه باربد (لحن ۲۶).

کبیری، تاتر [Teatre Kabiri]: واقع در سرپل امیربهادر خان که در حال حاضر تبدیل به سینما شده و نام آن سینما داریوش است.

کبیری، حسین [Hoseyn Kabiri]: نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با هوشنگ مهرورزان و قاسم جلالیان.

کبیری، عباس [Abbās Kabiri]: نوازنده چیره دست قره‌نی و همدوره با استاد فرهنگ شریف، اصغر خالدی، حمید زاهدی، امیر قره داش و استاد حسین همدانی.

کبیری، غلامرضا [Qolāmrezā Kabiri]: سراینده ترانه های فکاهی در ساری در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

کبیری، کارن [Kāren Kabiri]: نوازنده چیره دست کنترباس در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران.

کتاب الادوار، کتاب [Ketāb Ketāb-ol-advār]: نوشته عبدالقادر مراغه ای در سده هشتم

آ،ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

هجری پیرامون موسیقی و علم آن.

کتاب شناسی موسیقی [Ketáb Šenásiye Musiqi]: کتابی در مورد شناخت و آگاهی از کتابهای نگارش یافته در باره موسیقی از ویدا مشایخی، از انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا وابسته به یونسکو. چاپ تهران، در ۱۳۵۵ خورشیدی.

کتولی، اصغر [Asqar Katuli]: اصغر کتولی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در بهشهر بدنیا آمد، او فرزند قَدَر، معروفترین نوازنده کمانچه در شرق مازندران است. اصغر، از کودکی نزد پدر به فراگیری کمانچه و آوازهای گُذاری شرق مازندران پرداخت. حرفه اصلی او، موسیقی است.

کتولی بلند [Katuli Boland]: از مقام های اصلی در موسیقی مناطق مرکزی مازندران.

کتولی کوتاه [Katuli Kutāh]: یا کل حال: از مقام های اصلی در موسیقی مناطق مرکزی مازندران است.

کتولی، موسیقی [Musiqiye Katuli]: علی آباد کتول از نظر جغرافیائی، شرقی ترین منطقه تبری زبان، استان مازندران است. در فرهنگ کتولی، تعداد بیشماری از واژه های خراسانی، گرگانی، ترکی، ترکمنی و سیستانی به چشم می خورند و موسیقی ترکمنی و خراسانی در موسیقی آن تأثیر گذاشته اند و بسیاری از نغمه هایی که در عروسی ها و مجلس های شاد نواخته میشود از موسیقی طایفه های مهاجر سیستانی است. در موسیقی کتولی، سازها نیز، نظیر نغمه ها متنوع هستند.

دوتار مورد استفاده در موسیقی کتولی، سازی است بامنشاء ترکمنی و خراسانی. نی هفت بند، سازی است از مناطق مرکزی مازندران و نی سنتی ترکمنی (یدَبَقوم) برای انطباق با ویژه گی های موسیقی علی آباد کتول، بلندتر شده است. دُهل کتولی (دیل)، شبیه به دُهل خراسانی و شمشاد کتولی که لبی آن، شبیه به فلوت های ریکوردر است و تقریباً فراموش شده است، شباهت کامل با سیکاتک مازندرانی دارد. کمانچه سه سیم کتول نیز، گرچه از کمانچه ترکمن بزرگتر است ولی برگرفته از همان فرهنگ موسیقی است.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

سورنای کتولی تا حد زیادی از سورنای مناطق مرکزی مازندران و طایفه های مهاجر سیستانی تأثیر گرفته است.

موسیقی علی آباد کتول، شامل سه مقام بزرگ «هرایی» است. که ریز مقام های بسیاری از آن منشعب می شوند. ریز مقام ها در مراسم عروسی تنها توسط زنان خوانده میشوند.

کج زخمه [Kajzaxme]: کسی که ساز را خارج میزند.

کجک [Kajak]: چوب سرکجی است که با آن کوس، نقاره را می نوازند. به آن کژک هم میگویند.

کُدا [Kodā]: مشتق از واژه لاتین **Cauda** به مفهوم پایان است.

کدا بخش پایانی یک قطعه موسیقی است که میتواند بصورت یک پاساژ یا فرمولی جدا شده از ساختمان اصل یک قطعه مجدداً در انتها حضور یافته و شنونده را راضی کند.

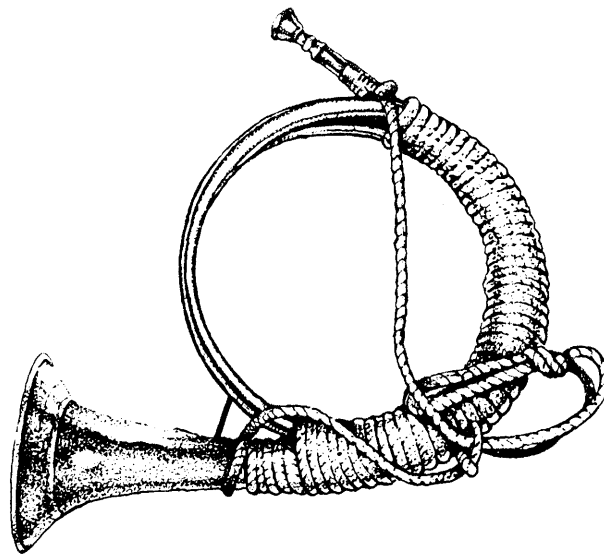
کُر [Kor]: آواز دسته جمعی چهار بخشی که دو بخش زنان و دو بخش مردان همزمان می خوانند.

کُر [Kor]: سازی است بادی مسی که سابقه تاریخی آن به شیپورهای شاخی میرسد.

ساز کُر سه نوع است: یک نوع استوانه ای است و پیستون ندارد که به آن شیپور شکار هم میگویند و درازای آن ۶۰ تا ۶۴ سانتی متر است. نوع دیگر، کُر کروماتیک یا کُر پیستون دار است که به آن کُر با صدای فاگویند. بلندی این ساز ۶۳ سانتی متر است.

نوع سوم کُر، شیپور هماهنگ مضاعف است، یعنی کُر با صدای فا و سی بمل. بلندی این ساز ۶۱ سانتی متر است.

تصویر در صفحه بعد

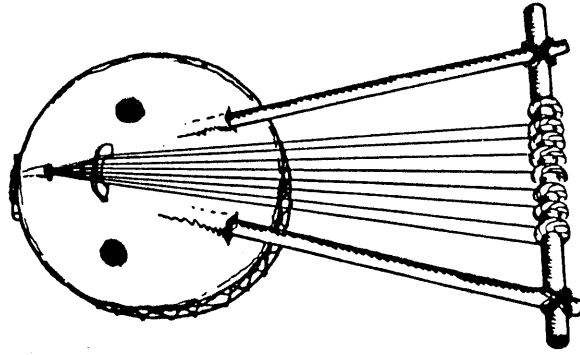


کُر آنگله [Kor-Angle]: سازی است بادی چوبی از تیره سورنای یا ابوا آلتو که یک پنجم از آبوی معمولی بم تر صدا میدهد. وسعت صدای این ساز ۲ اکتاو و نیم است. نت نویسی آن نظیر آبوا و با کلید سل میباشد.



کرار [Kerār]: سازی است رشته ای مطلق از رده چنگهای باستانی. این ساز تشکیل شده از یک کاسه کم عمق که بر دهانه آن پوست کشیده اند و دو سوراخ در دو طرف پوست، برای انعکاس صوت تعبیه کرده اند. در دو سوی کاسه، دو اهرم چوبی قرار دارد که با یک قطعه چوب در بالا (بطور افقی) مقید شده اند. چوب افقی، هم، قیدی است برای دو بازوی کرار و هم حکم سیم گیر ساز را دارد. کرار ۸ سیم دارد.

تصویر در صفحه بعد



کرامتی، محسن [Mohsen Kerāmati]: محسن کرامتی، خواننده، نقاش و مترجم در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او ۹ سال از استاد محمدرضا شجریان بهره برد و سالها از شاگردان حسین علیزاده بود.

کران [Kerán]: سازی شبیه به عود بوده است.

کرانی، رضا [Rezā Kerāni]: از تعزیه خوانهای مشهور قم که همواره در نقش شمر و ابن سعد ظاهر میشده است. (سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی).

کربلایی قنبر [Qanbar Karbalāi]: از شبیه خوانها و خوانندگان عهد قاجاریه است.

کُرج [Korj]: زنگوله های کوچکی است که به لباس رقصان می دوزند و رقص بهنگام رقص با بصدا در آوردن آنها وزن رقص را حفظ می کند.

کُر حلزونی [Kor Halazuni]: از آلات بادی ساده و ابتدائی.

کرد [Kord]: یکی از گوشه های دستگاه شور است.

کردان [Kordān]: یکی از آوازهای هفت گانه موسیقی قدیم که صفی الدین ارموی از آن نام برده است.

آ,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,ī وچدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāl) Z,z

کردان گلزار [Kordàn Golzâr]: از اصطلاحات موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب رواج دارد.

کردانیه [Kordânieh]: از گوشه های متداول در دستگاه های شور و نوا.

کردانیه درویش خانی [Kordâniehye Darvişxâni]: از گوشه های دستگاه شور.

کردبچه، علی اصغر [Ali-Asqar Kordbace]: علی اصغر کردبچه، در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد، نواختن تار و سه تار را نزد پدرش علی جان آموخت. او در سن ۱۳ سالگی برای تکمیل هنر خود، نزد استاد مرتضی نی داود و استاد علی اکبر خان شهنازی رفت. کردبچه در سال ۱۳۲۵ به رادیو رفت و سالها با ارکسترهای رادیو همکاری داشت. او در حدود ۳۰ آهنگ ساخت که از مشهورترین آنها، اشک پدر با صدای محمد رضا شجریان است. علی اصغر کردبچه، دارای چهار پسر و سه دختر است که تمامی آنها در رشته موسیقی دارای تحصیلات عالی میباشند.

کردبچه، علی اکبر [Ali-Akbar Kordbace]: سرهنگ علی اکبر کردبچه، فرزند استاد علی اصغر کردبچه، نوازنده چیره دست تار، در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در کودکی با موسیقی و ردیف های موسیقی ایرانی توسط پدرش آشنا شد. در سال ۱۳۳۸، وارد هنرستان عالی موسیقی شد، و در سال ۱۳۴۶ به استخدام موزیک شهربانی کل کشور درآمد. او بالغ بر دویست قطعه موسیقی از آهنگسازان داخلی و خارجی را برای ارکستر نظامی تنظیم کرده است. آهنگهایی چون: مارش آژیر، رزم آوران و سرود نیروی انتظامی از کارهای اوست.

کرد بیات [Kord Bayât]: از گوشه های دستگاه شور که به بیات کردی نیز مشهور است.

کردستان، موسیقی [Musiqiye Kordestân]: در کردستان زندگی مردم با موسیقی گره خورده است. خانقاه های فرقه های گوناگون برای اجرای مراسم سماع به موسیقی نیاز داشته و زورخانه ها نیز هم

آ,â A,â آدم (Âdam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdân) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

چنین. ادبیات قومی گُرد، بیت ها و چریکه ها همواره با موسیقی همراه بوده است. از کردستان، موسیقیدانهای بزرگ برخاسته و خواننده ای چون سید علی اصغر کردستانی و هنرمندی چون استاد حسن کامکار که پنجاه سال پیش در سنندج مبادرت به تأسیس کلاس موسیقی نمود و دیگر هنرمندانی چون؛ حسن یوسف زمانی، خلیل صدیقی، نوروزی، برادران عندلیبی، حسین شریفی، برادران تعریف، سعید فرج پوری، ارشد طهماسبی، عزیز شاهرخ، علاءالدین بابا شهابی، نصرت اله و داریوش حدادی، محمد ماملی، غلام علی رومی و ... از آهنگسازان و استادان موسیقی امروز ایران هستند. نام کرد در پاره ای از گوشه های موسیقی ایرانی نیز نقش این قوم را در ساختار محلی موسیقی ایران نشان میدهد. آوازهای رایج در موسیقی کردی: سیاجمانه، شیخانه، و دُرِیانه و بزمی گوش، بزمی چپله، بزمی گریان و بزمی سه جار میباشد.

سازهای معمول و مورد استفاده در موسیقی گُرد عبارت است از: دایره، دف، طاس و تنبور.

کردستانی، سید عسگر [Seyyed Asgar Kordestāni]: از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه و همدوره با شهاب اصفهانی و میرزا حسین ساعت ساز معروف به خضوعی.

کردستانی، سید علی اصغر [Seyyed Ali-Asqar Kordestāni]: خواننده بزرگ گُرد که از صدائی بسیار رسا برخوردار بود. این خواننده همدوره قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی است. از این خواننده صفحاتی که توسط کمپانی پولیفون ضبط شده وجود دارد (گُردی، تصنیف دشتی ۱ و ۲ به شماره (v-41466)).

گُردی [Kordi] از نغمه های موسیقی ایران که با نام ایرانی در موسیقی کشورهای عربی به اجرا در می آید. گُردی در موسیقی ایرانی بنام بیات گُرد شهرت دارد.

گُردی، قدرت اله [Qodrat-ollāh Kordi]: قدرت اله گُردی در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. او در کودکی به کارهای صنعتی و هنری علاقمند بود و در کارگاه نجاری و خراطی کار میکرد. او از سازندگان مشهور کمانچه، ویلن، تار و سه تار است.

گُردی، موسیقی [Musiqiye Koadi]: در آذربایجان غربی دو تیره از گُردها نسبت به تیره های دیگر بیشتر حضور دارند.

دو تیره گُردی: بادی و سورانی. گُردهای بادی به جز ایران، در مناطق شرقی ترکیه و شمال عراق و سوریه زندگی می کنند. در ایران گُردهای بادی، بیشتر در نواحی رضائیه، ترگه ور، خوی و سلماس و گُردهای سورانی، بیشتر در منطقه نقده حضور دارند. مهمترین و رایج ترین ساز مورد استفاده گُردهای بادی عراق و ترکیه «باقلاما» است. این ساز در آذربایجان غربی هم در حد محدودی رایج است. سازهای مهم گُردهای آذربایجان غربی عبارت است از: بالابان، دوزله، سورنا، دُهل و شمشال. موسیقی گُردهای بادی بیشتر دارای روحیه سلحشوری و عشایری و موسیقی گُردهای سورانی شهری تر و ملایم تر است.

کرشمه [Kereşme]: شکلی در موسیقی ایران و دارای وزن سه ضربی است که با کلام و یا بدون کلام در درآمد و گوشه ها می آید. اصیل ترین شکل آن بر روی وزن شعر است. کرشمه، در گوشه های شور، سه گاه، چهارگاه و آواز بیات اصفهان بکار میرود.

کرشمه اصفهان [Kereşmeye Esfehân]: نغمه ای در ردیف دستگاه بیات اصفهان یا عاشوراوندی یا بیات شیراز.

کرشمه، حصار [Kereşmeye Hesâr]: از گوشه های دستگاه سه گاه

کرشمه، سازمان هنری [Sazemâne Honariye Kereşme]: مرکز تولید و پخش نوارکاست و CD و برگزارکننده کنسرت های موسیقی اصیل در آمریکا. این مرکز در لس آنجلس واقع است. سرپرستی این مرکز با خانم پروین جوادی است.

کرشمه شور [Kereşmeye Şur]: گوشه ای در دستگاه شور است.

کرشمه همایون [Kereşmeye Homâyun]: از گوشه های دستگاه همایون است.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyâm)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (İrân) I,i وودان (Voddân) O,o C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zâle)

کرمانجی [Kermánji]: به موسیقی گردی شمال خراسان اطلاق میشود.

کرمانشاهان، موسیقی [Musiqiye Kermānshāhān]: در فرهنگ گُردستان و کرمانشاهان، موسیقی از مقام بسیار بالائی برخوردار است. تنوع و عمق موسیقی در غرب ایران بحدی است که آنرا میتوان یکی از مهمترین مناطق در حوزه موسیقی شناسی ایران قرار داد. موسیقی تنبور، ویژه این منطقه بوده و با انواع دیگر موسیقی در کرمانشاهان تفاوت دارد.

موسیقی تنبور در کرمانشاهان، در حقیقت باقیمانده انواع موسیقی باستانی ایران است. موسیقی تنبور را میتوان به سه بخش اصلی تقسیم نمود:

۱- کلام: کلام ها، قطعه هائی هستند با وزن های فراخ که تعدادشان بالغ بر ۷۲ مقام است. تسلط جنبه های کیشی - آئینی بر این بخش از موسیقی تنبور باعث شده که کلام ها، نسبت به انواع دیگر موسیقی تنبور از گزند کم تری از سوی شریعت مداران مذهبی برخوردار گردند.

۲- مقام های مجلسی: برخی از این مقام ها را اصطلاحاً هوره مینامند.

۳- مقام های مجازی: این نوع موسیقی از نظر مقام و مرتبه، پائین تر از دونوع نخست است. در کرمانشاهان، حوزه رواج تنبور به دو منطقه تقسیم میشود که شامل منطقه گوران و منطقه صحنه است. نواختن تنبور در میان علویان کوهپایه های زاگرس عمومیت دارد.

کرمانی، حسین [Hoseyn Kermāni]: از نوحه و تعزیه خوانهای مشهور تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

کرمانی، علیرضا [Ali-rezā Kermāni]: از صدا برداران با تجربه رادیو تلویزیون در تهران.

کرمی، عبدالرحیم [Abdol - Rahim Karami]: عبدالرحیم کرمی در سال ۱۳۴۲ در بوشهر بدنیا آمد. او شروه خوان و نوحه خوان است. بیست سال است که به صورت حرفه ای به این کار اشتغال دارد. شیوه او در خواندن شروه، بخشو است.

بخشو، شروه خوان و نوحه خوان مشهور بوشهر بوده است که در سال ۱۳۵۶ چشم از جهان فرو بست. او

آ،a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u ژاله (Zāle) Z,z

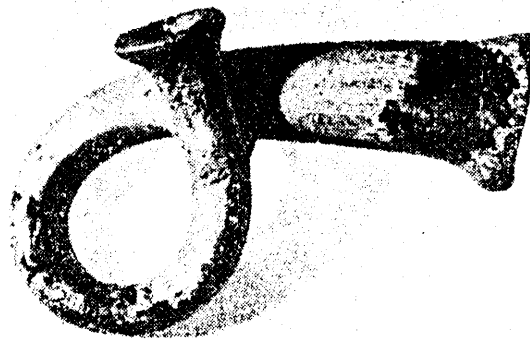
علاوه بر شروه در اجرای چاووشی، بیت غرا و جنگنامه نیز تسلط دارد.

کرمیل [Karmil]: نوعی ساز فلزی بسیار قدیمی با دهانی قیفی شکل که لوله آن بشکل مخروطی ساخته شده و در انتها به دهانه لگنی شکل گشادی ختم میشود. از این ساز در موزه تخت جمشید نگهداری میشود.

از کرمیل بازسازی شده در جشن های ۲۵۰۰ ساله استفاده شد. امروزه از این ساز، در دیلمان و گیلان در روزهای سوگواری استفاده می کنند.



کُرن [Korn]: سازی است باستانی از خانواده آلات موسیقی بادی که به آن شاخ یا بوق شاخی نیز میگویند.

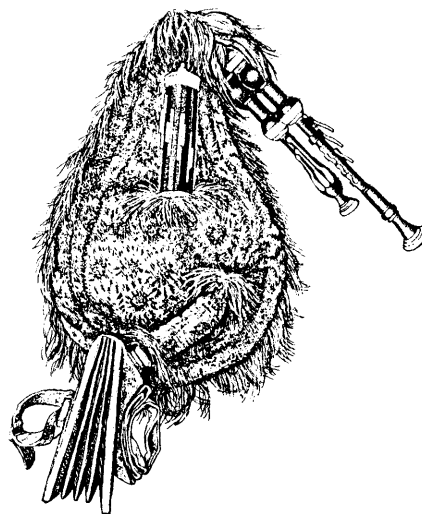


کُرن [Koron]: علامتی در موسیقی که صداهای طبیعی را ربع پرده پائین میآورد. اصطلاح کُرن و سُری هرکدام به حروف ابجد برابر عدد ۲۷۰ است که علی نقی (نام کوچک استاد کلنل وزیری) نیز به ابجد، برابر همین عدد است و پیدایش کُرن و سُری در ایران منسوب به این استاد گرانقدر است. علامت کُرن: م می باشد.

کرنا [Karnà]: نام این ساز بصورتهای «کرنا» کارنا، کرنای، کارنای، خرنا و خرنا ی ثبت شده است. کرنا، سازی است بادی از جنس فلز که درازای آن به ۷ متر میرسد. کرنا چون سوراخی در بدنه ندارد، قادر به تولید نغمات متنوع نیست.

صدایش قوی و گوش خراش و هراس انگیز است. امروزه از کرنا در شمال ایران، در مراسم عزاداری استفاده می کنند. هم چنین در مزرعه برای راندن خوکها از آن استفاده میشود. در گیلان نوعی کرنا وجود دارد که بدنه آن ۳/۶ متر است و قسمت سر آن خمیده و بشکل عصا میباشد. در نقش برجسته های طاق بستان، کرنا نوازان بسیاری را میتوان دید.

کرنا موزا [Kornà Muzà]: از آلات بادی شبیه به نی انبان.

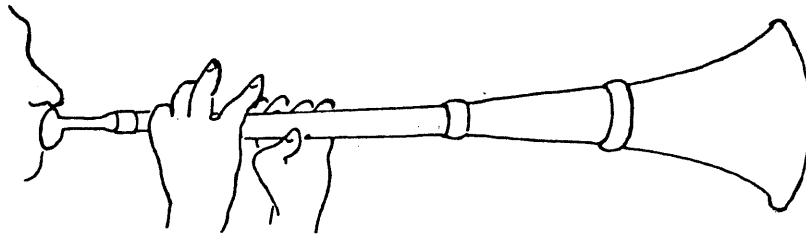


کرنای شمال [Kornàye Šomāl]: سازی است بادی که آنرا درازنای هم می گویند. لوله آن فاقد سوراخ است و جنس آن نی است و طول آن تا سه متر هم میرسد. طول کرنا های مورد استفاده در شمال ایران ۴ متر است.

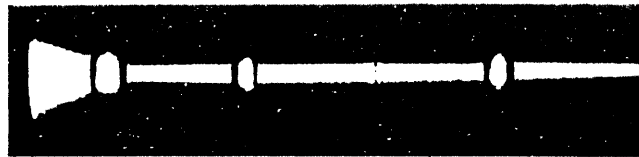
کرنای فارس [Kornàye Fārs]: این ساز شبیه به سرنای دزفولی و بختیاری است و روی آن ۶ تا ۷ سوراخ تعبیه شده است. جنس نیمه بالائی آن از چوب بوده که سوراخها در این قسمت قرار دارند و نیمه

آ,ā A,ā آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vokdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Ž,z

دیگر آن فلزی است. این ساز دو زبانه دارد.

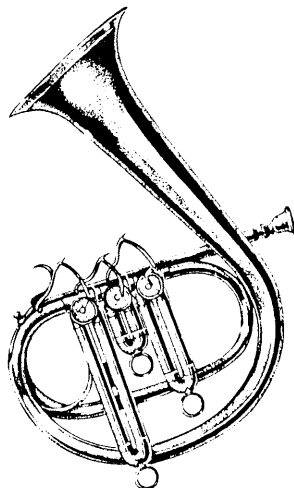


کرنای مشهد [Kornāye Mašhad]: جنس این ساز از فلزات است و نواختن آن بسیار مشکل است. کرنای مشهدی را بیشتر از جنس برنج میسازند. این ساز فاقد سوراخ است.



کرنای متداول در خراسان

کُرنِت [Kornet]: از آلات بادی مسی و یا برنجی که از جهاتی شبیه به ترومپت است، با سه کلید سوپاپ.



کرنه [Korneh]: سازی است بادی مسی که صورت ابتدائی آن همان گُرَن یا بوق شاخی است.

کرنوموز [Kornomuz]: سازی است بادی که در ایران به آن نای انبان گویند. لطفاً جهت کسب آگاهی بیشتر به نای انبان نگاه کنید.

کریستال، کاباره (کافه) [Kábare Kristál]: کافه کریستال با خوانندگان کوچه و بازار، محلی برای تجمع صنف مکانیک و بنا و کاسب ها بود. محل این کافه در لاله زار نو بود.

کریم [Karim]: نوازنده تار و کمانچه و رئیس دسته مطربهایی بنام «کورها» در دوران قاجاریه (اواخر دوره ناصرالدین شاه) است.

کریم خان زند، میرزا حسن خان [Mirzà Hasan Xán Karim Xán Zand]: ملقب به امین السرور نوازنده زیردست تار و سنتور و پدر هنرمند گرانقدر عباس زندی نوازنده چیره دست سنتور است.

کریم منجم باشی [Karim Monajem - bâši]: نوازنده چیره دست تنبک و از همکاران ارفع الملک در دوران قاجاریه.

کریمی، ابوالفضل [Abolfazl Karimi]: از نوحه و تعزیه خوانهای ۵۰ سال پیش تهران.

کریمیان، خدامراد [Xodâ-Morâd Karimyân]: نوازنده چیره دست دف، در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در جیحون آباد کرمانشاه بدنیا آمد. او ۴۵ سال است که به نواختن دف و تنبور می پردازد. این هنرمند در صحنه مغازه پوشاک دارد.

کریمی، پیرولی [Pirvali Karimi]: زنده یاد پیرولی کریمی، نوازنده چیره دست کمانچه در لرستان

آ,â A,â آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u جوب (Cub) V,v وحدان (Vojdân) I,i ایران (Irân) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

که در سن ۳۵ سالگی بقتل رسید.

کریمی، حاج علی محمد [Hāj Ali-Mohammad Karimi]: از نوحه و تعزیه خوان های پنجاه سال پیش در تهران.

کریمی حکاک، دکتر احمد [Doktor Ahmad Karimi Hakāk]: منتقد، پژوهشگر سرشناس و استاد دانشگاه واشنگتن در سیاتل که نظرگاه جالبی نسبت به خواننده بزرگ ایران گوگوش دارد. او عقیده دارد که: گوگوش یک پدیده فرهنگی است، باید این پدیده را شناخت و میبایستی در موسیقی پاپ ایران مطالعه کرد.

کریمی، کریم [Karim Karimi]: کریم کریمی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی وقتی در کلاس اول دبیرستان ناصر خسرو در خیابان ایران تحصیل میکرد با ابراهیم سلمکی آشنا شد. اولین استاد سنتور او، زنده یاد محمد رفیع سلطان، پدر ابراهیم سلمکی بود، که بمدت ۶ سال او را آموزش داد. در سال ۱۳۳۸ بنا به دعوت سازمان رادیو همکاری خود را با ارکستر شاپور نیاکان و ابراهیم سلمکی، دوست دوران دبیرستان خود آغاز نمود. کریم کریمی از نوازندگان برجسته ساز سنتور بشمار میرود.

کریمی، کیومرث [Kyumars Karimi]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی تهران در رشته کلارینت.

کریمی، محمود [Mahmud Karimi]: زنده یاد استاد محمود کریمی در سال ۱۳۰۶ خورشیدی بدنیا آمد. او در ابتداء از شاگردان عبدالله خان دوامی بود و تمام ردیف های آوازی را از او آموخت. او چون به نواختن سه تار آشنا بود، سالها نزد حاج آقا محمد ایرانی مجرد، ردیف های سازی را نیز فراگرفت. او مدتها روی سبک جناب دماوندی و سید حسین طاهرزاده کار کرد. از شاگردان استاد کریمی، خانم پریسا هستند که یک دوره کامل ردیف آوازی را نزد ایشان آموختند.

محمود کریمی در سال ۱۳۶۳ دچار سکته قلبی شد و به بیمارستان انتقال یافت. سکه دوم او در تاریخ سوم
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

آذر ماه ۱۳۶۳ باعث شد که این هنرمند گرانقدر در سن ۵۷ سالگی چشم از جهان فرو بندد.

کرنای [Kornây]: این ساز به اسامی مختلفی چون کرنا، کارنای، خرنا و خرنای ثبت شده است. سازی است بادی از جنس فلز و درازای آن گاهی به ۷ متر میرسد. چون سوراخی در بدنه استوانه آن تبعیه نشده، از آن نمیتوان نغمات متنوع موسیقی خارج کرد. صدایش درشت، گوش خراش و هراس انگیز است.

کریلی [Korili]: از گوشه های ضربی دستگاه ماهور. نام دیگر آن کوراوغلی است.

کژک [Kazak]: لطفاً به کجک نگاه کنید.

کسایی، احمد [Ahmad Kasāyi]: حاج احمد کسایی از نوازندگان ضرب در اواخر دوره ناصرالدین شاه و از همکاران نزدیک آقا حسین قلی و میرزا عبدالله بود.

کسائی، حسن [Hasan Kasāwi]: استاد بی نظیر نوازندگی نی. حسن کسائی از شاگردان ممتاز ابوالحسن صبا میباشد. استاد حسن کسائی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او از کودکی نی لبک میزد و چون حنجره مستعدی داشت، آواز هم می خواند. استاد تاج اصفهانی او را به آواز خوانی تشویق نمود و شیوه های تحریر را به او آموخت و زنده یاد اسماعیل ادیب خوانساری هم، گوشه های آوازی را به او یاد داد. حسن کسائی در خدمت استاد مهدی نوایی با روش و شیوه نایب اسداله آشنا شد. استاد حسن کسائی از جمله نی نوازان مشهور در سطح جهانی هستند. او شاگردان بسیاری تعلیم داد از آن جمله: محمد موسوی، منوچهر برجیان، نعمت اله ستوده، کمال سامع و منوچهر مینوری. استاد حسن کسائی بجز نی، سه تار، سنتور و فلوت نیز مینوازد.

کسایی مروزی [Kasāwi Marvazi]: ابوالحسن یا ابواسحق ولقبش مجدالدین معروف به کسائی مروزی، در سال ۳۴۱ هجری در سمرقند بدنیا آمد. این شاعر در اواخر عهد سامانی و اوایل عهد غزنوی میزیسته است.

آ,â A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

کِسر [Keser]: به معنی ساز کوچک یا کسر شده از دُهل آمده است. کِسر، شبیه به دُهل با دو طرف پوست است که معمولاً از یک طرف، توسط هر دو دست نواخته میشود.

کسرایی، سیاوش [Siyāvōš Kasrāyi]: سیاوش کسرایی، شاعر معروف معاصر در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. پس از تحصیل در رشته ادبی در دبیرستان دارالفنون به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت و لیسانس خود را در رشته علوم سیاسی دریافت کرد. سیاوش کسرایی از طرفداران و سرایندگان شعر نو است، اماگاه گاهی ترانه دو بیتی هم میگفت. نخستین کتاب شعر او «آوا» نام دارد که در اسفند ۱۳۳۶ خورشیدی و دومین کتاب او «آرش کمانگیر» در سال ۱۳۳۸، و کتاب های دیگر مثل؛ با دماوند خاموش، در سال ۱۳۴۵ و خانگی در سال ۱۳۴۷ انتشار یافت. از اشعار زیبای او، خون سیاوش و سنگ و شبنم است. ترانه وحدت با صدای فرهاد و اشک مهتاب با اجرای محمد رضا شجریان از سروده های سیاوش کسرایی است.

سیاوش کسرایی، در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۷۴ پس از یک عمل جراحی در وین اتریش چشم از جهان فرو بست و در همان شهر بخاک سپرده شد.

کسر میزان [Kasre Mizān]: تعیین کننده وزن یک قطعه موسیقی است که بصورت کسر متعارفی با ارقامی در صورت و مخرج و معمولاً بصورت های $\frac{2}{4}$ یا $\frac{6}{8}$ نوشته میشود.

کسروی، احمد [Ahmad Kasravi]: زنده یاد، احمد کسروی در هشتم مهرماه ۱۲۶۹ خورشیدی در محله همکاو تبریز بدنیا آمد. در ۶ سالگی به مکتب رفت و در ۱۱ سالگی برادر مرگ پدر، مکتب را ترک گفت. در شانزده سالگی به جنبش مشروطه پیوست و با روحانیون ضد مشروطه درافتاد. او در مدرسه آمریکائی تبریز بنام Memorial School به تدریس زبان عربی پرداخت (۱۲۹۴ خورشیدی). او در همین مدرسه، زبان انگلیسی را آموخت.

در تهران، ابتداء به خدمت وزارت معارف درآمد. بعدها در سمت های؛ رئیس عدلیه دماوند، رئیس عدلیه زنجان و خوزستان انجام وظیفه نمود. در سال ۱۳۰۶ به دادستانی دادگاه تهران منصوب شد. ملی

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وجدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u (Zale) زاله Z,z

گرائی و آخوند ستیزی کسروی باعث شد تا در هشتم اردیبهشت ۱۳۲۴ مورد ترور قرار گرفت ولی پس از جراحی بهبودی یافت. دشمنانش او را به مخالفت با اسلام و قرآن سوزی متهم کردند و از وی به دادگستری شکایت بردند. روز بیستم اسفند ۱۳۲۴، در آخرین جلسه بازپرسی، جلو چشم بازپرس، او و منشی اش محمد تقی حدادپور بدست برادران امامی، از گروه تروریستی فدائیان اسلام بدستور آیت اله کاشانی و روح اله خمینی و نواب صفوی به ضرب گلوله و خنجر از پای درآمدند.

زنده یاد احمد کسروی در هنگام مرگ ۵۷ ساله بود. جسد او را در حالیکه ۲۹ زخم دیده بود با جنازه منشی وفادارش در آبک شمیران، کنار کوه بخاک سپردند.

در پیرامون ادبیات، کتابی است از زنده یاد احمد کسروی که در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تهران چاپ شد و در آن به تصنیف و ترانه های سرایندگان آن روزگار از آن جمله عارف قزوینی پرداخته است.

کسروی، مصطفی [Mostafā Kasravi]: مصطفی کسروی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تربت حیدریه بدنیا آمد و دوران نوجوانی را در تهران و زاهدان بسر برد. او از سال ۱۳۲۳ نوازنده فلوت و پیانو در ارکسترهای مختلف رادیو ایران بود. او مدتها با ارکستر استاد مهدی خالیدی به خوانندگی خانم دلکش همکاری داشت.

کسروی از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۳، بمدت ده سال با زنده یاد شیرخدا در اجرای برنامه بامدادی همکاری می کرد. او از سال ۱۳۴۳ به سمت تنظیم کننده و سازنده آهنگ و رهبر ارکسترهای شماره ۱ و ۲ در رادیو مشغول کار بود. کسروی از سال ۱۳۳۴ بمدت ۵ سال به ایتالیا رفت و در آنجا به تحصیل موسیقی پرداخت. او دارای دانشنامه لیسانس در رشته آهنگسازی از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران نیز هست.

مصطفی کسروی، سالها، مدیریت کتابخانه هنرستان عالی موسیقی، رهبری دسته کر هنرستان عالی موسیقی، مدیر آموزش سرود و موسیقی مدارس استان مرکزی و استاد تعلیم موسیقی در هنرستان عالی موسیقی بود. از معروفترین قطعات موسیقی، ساخته این هنرمند گرانقدر میتوان به: فرهاد کوه کن در مایه شوشتری، پری جون در مایه اصفهان (ملودی محلی بیرجندی) به خوانندگی سیما بینا و نزدیک به یکهزار آهنگ که برای ارکسترهای رادیو تلویزیون تهیه و تنظیم نموده است اشاره نمود.

مصطفی کسروی در حال حاضر در کالیفرنیا زندگی می کند و از او هیچگونه فعالیت هنری مشاهده نمی شود.

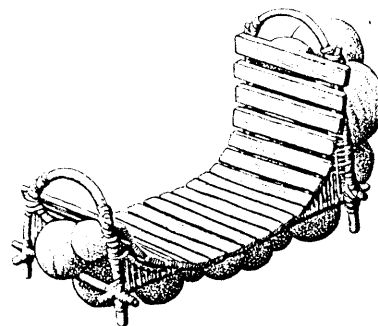
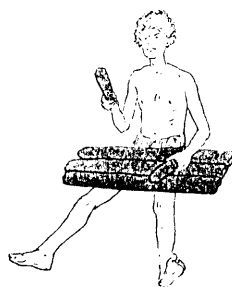
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

کسری [Kasrá]: از الحان موسیقی قدیم و از نواهای دوره ساسانی میباشد.

کسری [Kasrá]: تنظیم کننده آهنگ و خواننده قدیمی ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: ستارگان با صدای الهام و ترانه گله با صدای خودش در دسترس میباشد.

کسری، تاتر [Teàtre Kasra]: تاتر قدیمی تهران واقع در خیابان شاهرضا که امتیاز آن از تاتری واقع در سر پل امیر بهادر خان توسط دکتر والا خریداری شد.

کسیلوْفُن [Kasylofon]: سازی است از آلات موسیقی کوبه ای مطلق که قدیمی ها به آن الواح می گفتند. ساختمان این ساز تشکیل میشود از تعدادی باریکه چوب یا فلز و یا لوح فلزی به اندازه های مختلف و با کوبه ای بصدا در می آید. ابتدائی ترین نوع آن کسیلوْفُن روی زانو نام دارد.



کشاورز، رضا [Rezà Kešàvarz]: از صدا برداران شاغل در تهران.

کشاورزی، جلیل [Jalil Kašàvarzi]: جلیل کشاورزی در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در روستای شیخ آباد کهنوج دنیا آمد. او از ۱۲ سالگی آواز می خواند. او در اجرای آوازهای منطقه خود مهارت بسزائی دارد.

کشتکار، پدرام [Pedràm Kešt-kár]: آهنگساز جوان و خوش ذوقی که در تهران فعالیت دارد.

آ, a آدم (Adam) S, s سرکش (Sarkes) J, j جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
Z, z زاله (Zale) C, c U, u جوب (Cub) V, v O, o وحدان (Vojdan) I, i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کشت ورز، عباس [Abbás Keštvarz]: دکتر عباس کشت ورز، نوازنده چیره دست تار و همدوره و همکار با استاد غلام حسین بنان، عبدالله زاد فر، منوچهر جهان نیا و فریدون حافظی.

کشته [Košte]: گوشه‌ای در دستگاه ماهور که بنام کشته مروه نیز مشهور است.



ککش صوت [Kešeše Sowt]: طول مدت امتداد زمان صوت را گویند. صوتهای موسیقی برمبنای طول زمانی که بگوش میرسند، دارای ککش یا امتداد هستند. در موسیقی برای تعیین اندازه‌ها و کنترل ککش صوتها از علائم؛ سیاه، سفید و گرد استفاده می‌کنند.

کشکولی، ابراهیم [Ebrāhime Kaškuli]: ابراهیم کشکولی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در خیابان امیریه تهران به دنیا آمد. از ۱۳ سالگی به کلاس موسیقی رفت و بعدها در ردیف شاگردان استاد فرامرز پایور قرار گرفت. ابراهیم کشکولی نوازنده چیره دست سنتور از سال ۱۳۶۳ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. کار اصلی این هنرمند، تجارت فرش است.

کشکولی، ابوالحسن [Abolhasan Kaškuli]: نوازنده چیره دست سنتور در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

کشکولی، ابوالقاسم [Abolqāsem Kaškuli]: نوازنده چیره دست ویلن در دهه ۱۳۲۰ که سالها با رادیو و ارکسترهای آن همکاری داشت.

کشور، تاتر [Teātre Kešvar]: واقع در کوچه برلن که مکانی برای عرضه هنر نمایش و موسیقی بود.

کشور خانم [Kešvar Xānom]: ملقب به فرخ لقا، خواهر بزرگ حسین یاحقی که آوازی خوش داشت و در کمانچه از شاگردان حسین خان اسماعیل زاده و در سنتور شاگرد سماع حضور بود. استاد حسین یاحقی، ابتداء نزد خواهرش به فراگیری کمانچه پرداخت. لطفاً جهت آگاهی بیشتر به یاحقی، حسین نگاه کنید.

کفاشیان، میرزا سیدعلی [Mirzā Seyyed Ali Kaffāsiyān]: زنده یاد کفاشیان از موسیقیدانهای بزرگ و نوازنده مشهور تنبور که از نوارهای ضبط شده ایشان، بسیاری در آموختن ساز تنبور بهره جسته‌اند.

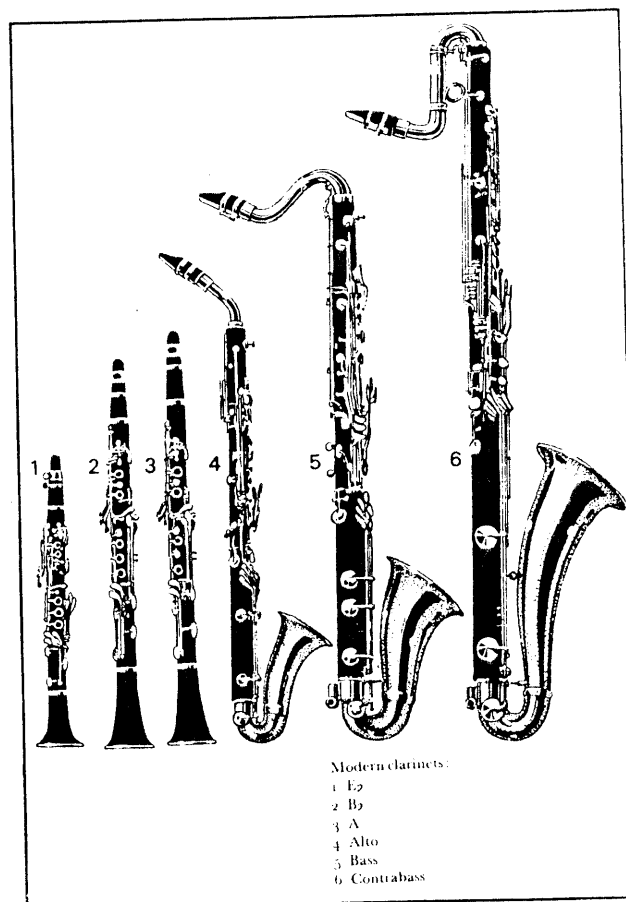
کفایتی، اصغر [Asqar Kefāyati]: از صدا برداران و صداگذاران شاغل در تهران.

کفتری، بهنام [Behnām Kaftari]: نوازنده چیره دست ویلن که در آمریکا فعالیت دارد.

کفتری، شکراله [Šokr-ollāh Kaftari]: نوازنده چیره دست تار که در آمریکا سکونت دارد. از این هنرمند آلبوم؛ برگی از دفتر موسیقی سنتی ایران در شور و دشتی در دسترس میباشد.

کلارینت [Klārinet]: سازی است بادی چوبی که ایرانی ها به آن قره‌نی میگویند. این ساز در تمام ارکسترها شرکت دارد و در تمام آثار موسیقی چند صدائی، نقش مهمی ایفا می کند. لطفاً جهت آگاهی بیشتر به قره‌نی نگاه کنید.

تصویر در صفحه بعد



کلاسیک، موسیقی [Musiqiye Klāsik]: این موسیقی، در قواعد و اصول، تابع آثار و تصنیف های سازندگان و موسیقیدانهای دوره کلاسیک اروپا از قبیل باخ و بتهون است. امروزه بعضی ها در مورد آثار هنرمندان پیش از انقلاب و اثر آنها، از واژه کلاسیک استفاده می کنند.

کلام [Kalām]: بالغ بر ۷۲ مقام است که اغلب دارای ریتم های طولانی هستند.

کلام فی الموسیقا، کتاب [Kalām fi-al-Musiqā]: کتابی است که ابونصر محمد فارابی در سده سوم هجری راجع به موسیقی نوشته است. بنا به عقیده فارمر، این کتاب را باید جزء آثار گم شده فارابی بحساب آورد.

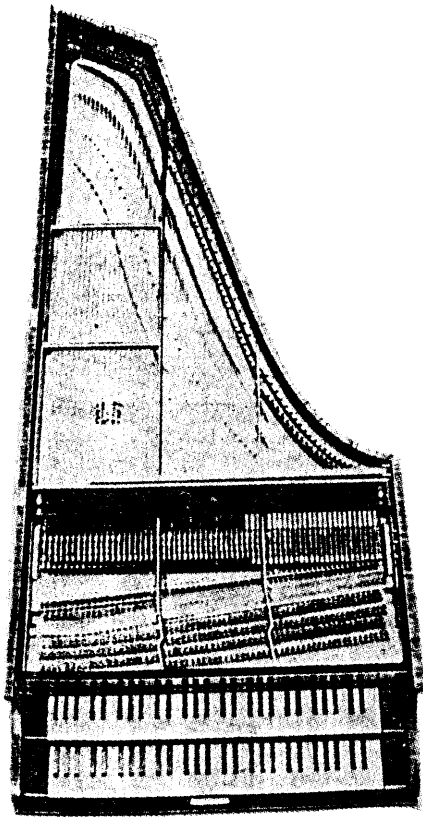
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voklan) I,i ایران (Iran) وات های (النسای) نوبن برای درست خواندن

کلام فی النقلة مضافاالی الایقاع [Kalām fi-al-naqla Mozāfan elalegā]: کتابی است از ابونصر فارابی راجع به اوزان موسیقی که بنا بگفته فارمر جزو آثار گم شده فارابی است.

کلانتری، شبانعلی [Šabān-Ali Kalāntari]: خواننده خوش صدا مازندرانی که از او آلبوم: قصه نی و آزاد گله در دسترس میباشد.

کلاوسن [Klāvsan]: سازی است رشته ای مطلق، از رده سنتور یا پساتریون. تردیدی نیست که این ساز تکامل یافته سنتور است. وسعت صدای کلاوسن چهار اکتاوا است. ساختمان کلاوسن تشکیل میشود از:

- ۱- یکصد و بیست و دو رشته سیم فلزی.
- ۲- شتی ها یا کلاویه ها در هر ردیف به تعداد ۶۱ عدد (۲۵ سیاه و ۳۶ سفید) رویهمرفته ۱۲۲ عدد.
- ۳- مضراب ها و هم چنین صدا خفه کن ها به کلاویه ها متصل هستند.
- ۴- گوشی های این ساز از فلزی چهارگوش درست شده اند که با کلیدی شبیه به آچار بوکس بچرخش در می آیند. وسعت صدای کلاوسن از سه اکتاوا تا پنج اکتاوا است.



کلاویکورد [Klávikord]: از آلات زهی غربی است. در سده ۱۵ تا ۱۸ میلادی به سازی شستی دار اطلاق میشده است.

کلاویه [Klávīye]: به شتی ارک یا پیانو اطلاق میشود.

کلاه دوز، حسن [Hasan Koláhdúz]: حاجی حسن کلاه دوز از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه است.

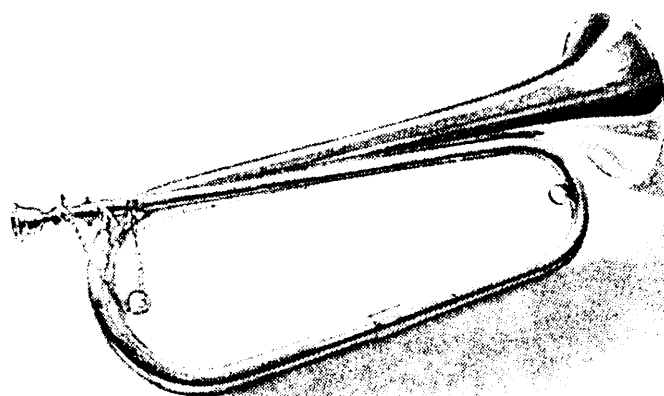
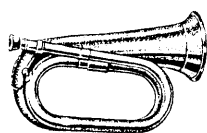
گوشه حاجی حسنی در آواز ترک (بیات زند) از ساخته های اوست.

کلاه، علی اصغر [Ali-Asqar Koláh]: خواننده خوش صدای خراسانی که در مشهد زندگی می کند.

کلتکس [Kaltéks]: از فعالترین شرکت های تولید نوار و ویدئو موزیک ایرانی در آمریکا. نام دیگر این کمپانی، شرکت آواز است.

کل حال [Kal Hál]: لطفاً به کوتلی کوتاه نگاه کنید.

کلرون [Kleron]: سازی است بادی مسی با املای فرانسوی کلایرون **Clairon**. این ساز، شیپوری است که از سال ۱۸۲۳ میلادی در موسیقی نظام فرانسه متداول شد.



Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Ž,z زاه (Žale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کلمبیا [Kolombiyá]: شرکت و کارخانه تولید فونوگراف و صفحه که در سال های ۱۹۰۰ میلادی، فونوگراف های خود را بنام گرامافون مدل Q-Q که ۱۷ دلار آمریکائی قیمت داشت به ایران وارد کرد. البته سال ساخت این دستگاه ها ۱۸۹۸ میلادی بود.

این شرکت در سال ۱۹۰۸ به تولید صفحه های دو رویه پرداخت و به بازار ایران عرضه داشت. در سال ۱۹۳۲ میلادی، کلمبیا، گرامافون شماره ۱۰۲ مبلی برای سالن ها و اماکن پُر جمعیت تا ۳۰۰ نفر، شماره ۲۰۲ کیفی و شماره ۲۰۱ و ۲۰۴ را عرضه نمود. در سال ۱۳۰۸ خورشیدی، نماینده فروش گرامافونها و صفحات کمپانی کلمبیا در تهران، شرکت زیگلر بود که صادرات قالی و کیترا هم به عهده داشت.

کلوب موزیکال [Kolube Musikál]: مؤسسه ای در کنار مدرسه عالی موسیقی وزیری در خیابان ارباب جمشید که هفته ای یکشب در آن موسیقی اجرا میشد و اعضای کلوب موظف به پرداختن دو تومان در ماه بودند که شامل چای و شیرینی هم میشد. زمان تأسیس این کلوب سال ۱۳۰۵ خورشیدی بوده است.

از معروفترین اعضای کلوب موزیکال یا کلوب موسیقی وزیری میتوان به: ادیب السلطنه سمیعی، دهخدا، کمالی، رشید یاسمی، سعید نفیسی، علی دشتی، عباس اقبال، نصراله فلسفی، رضا هنری، مطیع الدوله حجازی، محمد سعیدی و رضا شهرزاد اشاره داشت.

کلهر، کیهان [Keyhân Kalhar]: آهنگساز، تنظیم کننده و نوازنده چیره دست کمانچه و سه تار که در تهران فعالیت دارد. از نمونه کارهای این هنرمند گرانقدر آلبوم؛ شب، سکوت، کویر با صدای محمدرضا شجریان است.

کلهر، محسن [Mohsen Kalhar]: محسن کلهر در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از انجام خدمت سربازی، به کارهای هنری و صداپردازی پرداخت. او در سال ۱۳۴۸، همکاری خود را با رادیو تلویزیون ملی ایران با سمت صداپرداز آغاز کرد. او بمدت ده سال در بخش خصوصی بکار دوبلاژ فیلم اشتغال داشت، از آن جمله: دنیای دیوانه دیوانه و معجزه سیب. ضبط موسیقی فیلم های: داش آکل، رضا موتوری و بی تا از کارهای اوست.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

کلیات [Kolliyāt]: از الحان موزون هفده گانه در موسیقی قدیم ایران.

کلید [Kelid]: علامتی است که برای تعیین سطح و اسم نت بکار میرود. کلید های موسیقی بر سه نوع هستند: کلید سُئل، کلید دو و کلید فا. هر کلید بر روی حامل پنج خطی واقع شده است. کلید سُئل معمولی ترین کلید هاست و مبنایش خط دوم، حامل پنج خطی و خط هشتم در حامل یازده خطی است. با کلید سُئل، نتی که در روی خط دوم حامل قرار دارد، سل نامیده میشود و بقیه نت ها به نسبت نت مزبور شناخته میشوند. کلید سُئل را برای سازهایی چون ویلن، فلوت، ابوا و قره نی و دیگر سازهایی که صدای زیر دارند استفاده میشود.

وجود کلید های مختلف در موسیقی، جلوگیری از ازدیاد خطوط اضافه و در نتیجه سهولت در نت خوانی است.



کلید دو [Kelide Do]: کلید هایی هستند که برای صداهای وسطی موسیقی بکار میروند. کلید دوی خط اول که بر روی خط اول حامل نوشته میشود، نام خود را به نت میدهد و بهمین ترتیب کلید های دوی خط دوم، سوم و چهارم.

کلید سُئل [Kelide Sol]: کلیدی است که برای صداهای زیر بکار میرود و از روی خط دوم حامل شروع میشود و نام خود را به نت خط دوم میدهد. کلید سُئل خط اول امروزه استفاده نمی شود.

کلید فا [Kelide Fá]: کلید هایی هستند که برای صداهای بم موسیقی بکار میروند. کلید فای خط سوم و چهارم، نام خود را به نت آن خط ها میدهند.

تصویر در صفحه بعد

Ā,ā Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاده (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الضای) نوبن برای درست خواندن

کلید کوک [Kelide Kuk]: آچاری فلزی برای کوک کردن بعضی از آلات موسیقی نظیر: قانون، سنتور و پیانو.

کلیم کاشانی [Kalim Kāshāni]: ملک الشعرا میرزا ابوطالب کلیم کاشانی، مشهور به طالبای کلیم، از شاعران معروف سده یازدهم هجری است. او در همدان بدنیا آمد ولی در کاشان زندگی کرد. در نوجوانی به هندوستان رفت. او شاعر برگزیده شاه جهان بود. کلیم در سال ۱۰۶۱ هجری چشم از جهان فرو بست. او را کنار سلیم توانی و قدسی شهیدی بخاک سپردند.

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdán) وحدان O,o V,v (Cub) چوب U,u C,c (Zale) زاله Z,z

کلیمی، آقاجان [Āqājān Kalimi]: فرزند داود شیرازی، از نوازندگان مشهور ضرب در اواخر عهد قاجار و اوایل دوره پهلوی است.

کلیمی، بالاخان [Bālāxān Kalimi]: پدر استاد مرتضی نی داود و از ضرب نوازان مشهور دوره قاجاریه است.

کلیمی شیرازی، رستم [Rostam Kalimi Širāzi]: از موسیقیدانهای مشهور عهد فتح علی شاه قاجار است.

کُما [Komā]: در موسیقی قدیم از اجزاء فواصل محسوب میشده است. تشخیص کُما برای گوش آدمی دشوار است. کُما را با علامت C نشان داده که آن برابر با $\frac{1}{8}$ است.

کماجیان، افلیا [Ofeliyā Komājiyān]: استاد تعلیم پیانو در هنرستان عالی موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۵ خورشیدی.

کماجی، حسین خان [Hoseyn Xān Komāji]: از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با جناب دماوندی، سید حسین طاهرزاده، آقا سید رحیم، آقا غفار و استاد عبدالله دوامی.

کمدان [Kamādān]: از مشهورترین نوازندگان قیچک در چابهار.

کمال الدین اسماعیل [Kamāl-eddin Esmāil]: کمال الدین اسماعیل اصفهانی، آخرین قصیده سرای بزرگ ایران است که در جریان حمله مغول به ایران کشته شد. سال مرگ او ۶۳۵ هجری است.

کمال الدین حسین [Kamāl-eddin Hoseyn]: خواننده مشهور سده دهم هجری و همدوره با شاه تهماسب. او در سال ۹۷۳ هجری در مشهد چشم از جهان فرو بست.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,z W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کمال الدین عودی [Kamāl-eddin Udi]: از موسیقیدانها و نوازنده چیره دست عود در دوران صفویه است.

کمال الزمان [Kamāl -olzamān]: رهبر دسته موسیقی در دربار سلطان سنجر سلجوقی بوده است.

کمال السلطنه، ابوالقاسم [Abol-qāsem Kamāl-ol-Saltane]: پدر هنرمند پُراج ابوالحسن صبا که تار و سه تار را با ملاححت خاصی می نواخته، میباشد.

کمال خُجندی [Kamāle Xojandi]: شیخ کمال الدین خُجندی، معروف به شیخ کمال از شعرای سده هشتم هجری است. او در ماوراءالنهر بدنیا آمد و بعدها به تبریز رفت، و در خدمت سلطان حسین جلایر قرار گرفت و بفرمان این پادشاه برای او در ولیان کوه تبریز برایش خانقاهی ساختند. کمال خُجندی در سال ۸۰۳ هجری چشم از جهان فرو بست. دیوان این شاعر، شامل هشت هزار بیت است.

کمال زاده [Kamāl Zāde]: کمال زاده فرزند سید کمال، از نوازندگان مشهور تار و از شاگردان آقا حسین قلی میباشد.

کمال وضع [Kamāle Vazw]: وضع قرار گرفتن نت ها در گام طبیعی را کمال وضع گویند.

کمالی [Kamāli]: امیر عمید کمال الدین بخارایی از شاعران بزرگ دوره سلجوقیان است. نظامی عروضی، نام او را عمید کمالی آورده است.

کمالی، اسماعیل [Esmāwil Kamāli]: نوازنده چیره دست تار و از همکاران قمرالملوک وزیری در سالهای آخر عمر او. (زمانی که قمر در سالن قصر شیرین که حالا هتل نادری است می خواند).

کمالیان، مهدی [Mehdi Kamāliyan]: کارشناس موسیقی و آرشویست موسیقی ایرانی که

آ,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Voklān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

گنجینه‌ای از آثار ضبط شده سه تار استاد سعید هرمزی را ضبط و در اختیار دارد.

کمالی، حسین [Hoseyn Kamáli]: از نوازندگان ارکستر باقرنورین در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۸ خورشیدی.

کمالی، حیدر علی [Heydar Ali Kamáli]: شاعر مشهور معاصر که سرودهای او با آهنگهای استاد علی نقی وزیری در سال ۱۳۱۲ خورشیدی تحت نام سرودهای مدارس چاپ و پخش شد. حیدر علی کمالی در سال ۱۲۵۰ خورشیدی بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۵ چشم از جهان فرو بست. او نماینده مجلس شورای ملی در دوره های هفتم و هشتم بوده است. دیوان اشعار او چاپ و در دسترس میباشد.

تصنیف سه قطره با آواز ملوک ضربابی و مثنوی پیچ، آواز قمرالملوک وزیری از سروده های اوست.

کمالی، محمد رضا [Mohammad Rezā Kamáli]: از صدا برداران و صدا گذاران فعال در تهران.

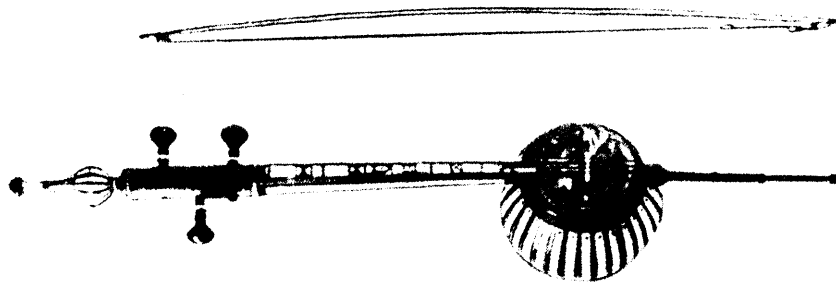
کمان یا کمانه [Kamān yā Kamāne]: چوبی کمانی شکل که به آن موی دم اسب می بندند و با آن بعضی از سازها نظیر، کمانچه یا قیچک را بصدا در میآورند. با آمدن ویلن به ایران در زمان مظفرالدین شاه، کمان، جای خود را با آرشه عوض نمود.

کمانچه [Kamānce]: سازی است زهی که بوسیله آرشه نواخته میشود. کمانچه را میتوان شبیه ساز ریاب دانست که از سازهای قدیمی و باستانی ایران است. کمانچه امروزی، در دوران صفویه از سازهای بسیار معمول بود. کمانچه در دوره قاجاریه نیز اهمیت خاصی داشت.

کمانچه در قدیم، دو سیم داشت که بعدها، سیم دیگری به آن اضافه کردند. امروزه، کمانچه چهار سیمه نیز میسازند. دامنه صوتی این ساز، حدود ۵ دانگ است. سابقاً، سیم های اول و دوم کمانچه را از ابریشم تابیده و سیم سوم را زرد می انداختند ولی امروزه سیم اول را فتر و سیم چهارم را از سیم های ماندولین می اندازند. طول کمانچه معمولاً هشتاد سانتی متر است. در لرستان به کمانچه؛ تال میگویند. کمانچه

لری، دارای کاسه پشت باز و دسته‌ای بلند تر از کمانچه های معمولی و دارای سه سیم است. نام دیگر کمانچه، کمنجا است. ساختمان این ساز تشکیل شده است از: کاسه طنینی از چوب، فلز، نارگیل، جوز قندی، کدو و ... روی کاسه پوست؛ گاو، بز، آهو و یا ماهی می کشند. دسته نسبتاً درازی دارد که پرده بندی نشده است.

در انتهای کاسه، پایه‌ای کوتاه از جنس فلز نصب می کنند که نوازنده آن قسمت روی ران خود و یا زمین گذاشته تا بتواند به راحتی نوازندگی کند. به کمائی، یکدسته موی اسب بسته اند که نقش آرشه را بازی می کند.



کمانچه، اسماعیل خان [Esmâil Xân Kamânce]: نوازنده و استاد کمانچه که ردیف های موسیقی سنتی نواخته شده توسط ایشان توسط استاد حسین یاحقی به نت نوشته شده است.

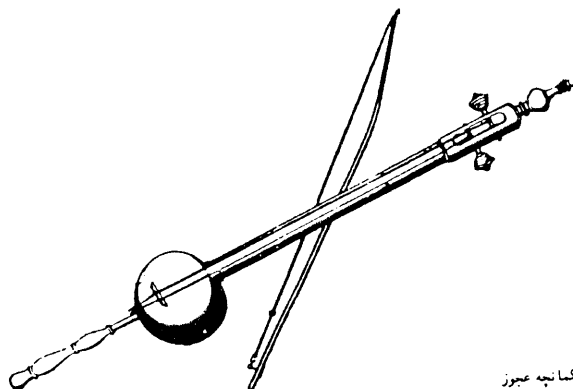
کمانچه خورشید [Kamânce Xoršid]: کمانچه مخصوص خوش نواز خان، نوازنده مشهور دوره ناصرالدین شاه.

کمانچه رومی [Kamânce Rumi]: سازی است رشته ای مقید. کاسه طنینی آن یکپارچه بوده و دو سوراخ بشکل حرف C لاتین روی پوشش رویی آن تعبیه شده است. تفاوت این ساز با کمانچه معمولی این است که پوشش دهانه کاسه طنینی آن از چوب است نه از پوست.

کمانچه عجوز [Kamânce Ajuz]: سازی است رشته ای مقید و بسیار قدیمی با کاسه طنینی

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdân) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zâle) Z,z
 خیم (Xayyam) X,x Y,y غرق (Qarq) Q,q جم (Jamw) W,w J,j سرکش (Sarkes) S,s K,k آدم (Âdam) A,a

کوچک که بر دهانه اش پوست مار می کشند. این ساز یک یا دو سیم دارد.



کمانچه عبوز

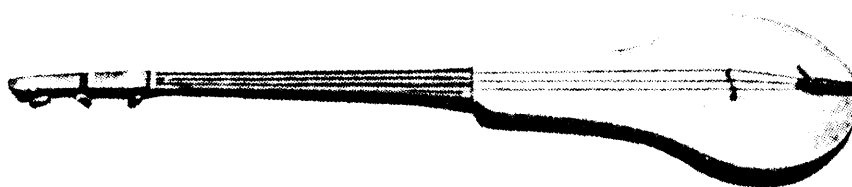
کمانچه، علی رضا خان [Alirezà Xàn Kamáncé]: استاد بی نظیر کمانچه و معلم استاد عبدالله جهان پناه.

کمانچه فرق [Kamáncé Farq]: سازی است رشته ای مقید که ترکیبی است از کمانچه معمولی و کمانچه عبوز که دارای دو سیم میباشد.

کمپانی [Kompáni]: کمپانی کردن؛ نوعی آواز جمعی در مجالس بزرگ روضه و سوگواری. بدین معنی که بیش از دو نفر به اتفاق نوحه ای را می خوانند.

کمندی، عباس [Abbás Kamandi]: خواننده ای که از او ترانه هائی زیبا در رابطه با کار گروهی کامکارها شنیده ایم در این مورد میتوان به آلبوم: گلاویژ اشاره داشت.

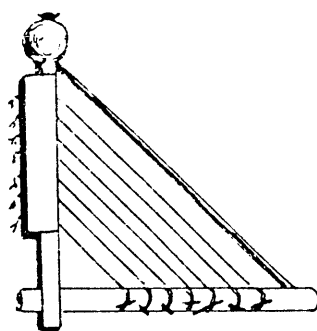
گُموز [Komuz]: سازی است رشته ای مقید. شکل ابتدائی آن شبیه به سه تار ایرانی است. شکل تکامل یافته آن شبیه گیتار است. این ساز سه سیم دارد.



Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v وحدان (Voklan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کمیسیون موسیقی و رادیو [Komisyone Musiqi va Râdyo]: تشکیلاتی در سازمان رادیو بهنگام تأسیس، در روز چهارشنبه، چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ خورشیدی در ساعت هفت بعد از ظهر که با پخش سرود ملی و سخنرانی دکتر احمد متین دفتری نخست وزیر آغاز بکار کرد. اخبار، گفتار، موسیقی ایرانی و اروپائی برنامه های آن روز رادیو را تشکیل میداد که موسیقی اروپائی آن توسط کمیسیون موسیقی و رادیو که بخشی از سازمان مرکزی پرورش افکار بود، طرح ریزی میشد، و ارکستر آن از استادان چکسلواکی و هنر آموزان هنرستان عالی موسیقی تشکیل شده بود.

کنار [Kenâr]: کنار یا کینور (Kinor) سازی است رشته ای مطلق از رده چنک های باستانی، تصویر این ساز، در نقش برجسته های طاق بستان دیده میشود.



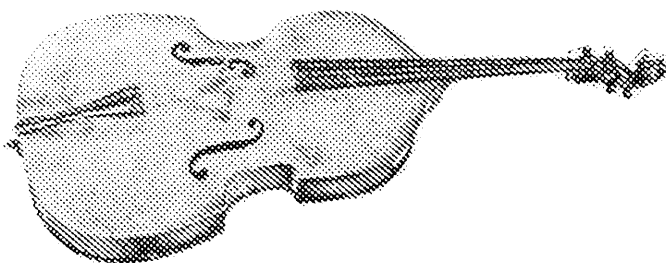
کنار یا ون کنار
(از نقش برجسته طاق بستان)

کنترآلتو [Kontr-Âlto]: صوت آلتو، یکی از بخش های چهارگانه صوت، ویژه خانم ها با وسعت صدای بم که آنرا آلتو هم گویند.



کنترباس [Kontr-Bàs]: سازی است رشته ای مقید از رده ویلن. این ساز معمولاً چهار رشته سیم دارد که بفاصله چهارم با یکدیگر کوک میشوند. نت نویسی آن معمولاً با نت فا میباشد.

آدم (Adam) A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
زله (Zale) Z,z C,c Cوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن



کنترباسون [Kontr-Bàson]: سازی است بادی چوبی از رده باسون. صدای آن یک اکتاو بم تر از باسون است. بخش بم آن صدای مطبوعی دارد ولی بخش های میانی و زیر آن جالب نیست.

کنترپوان [Kontr-Poàn]: به مفهوم نقطه در مقابل نقطه (نت یا ملودی در مقابل ملودی) که از فنون مبحث آهنگسازی است. کنترپوان از دانستنی های رشته آهنگسازی است و مشمول تمرین های سخت و خشک میباشد.

مباحث کنترپوان، یعنی کنترپوان؛ دو، سه، چهار بخشی در ۵ مورد بررسی میشود:

- ۱- کنترپوان یک بر یک: در برابر هر نت ملودی (C.F) یک نت در بخش دیگر (K.F) نوشته میشود.
- ۲- کنترپوان دو بر یک: در برابر هر نت گرد (C.F)، دو نت سفید در بخش (K.F)
- ۳- کنترپوان چهار بر یک: در برابر هر نت گرد (C.F)، چهار نت سیاه در بخش (K.P) نوشته میشود.
- ۴- کنترپوان دو بر یک تاخیر: در برابر هر نت C.F دو نت K.P نوشته میشود.
- ۵- کنترپوان مخلوط: در برابر نت های هم ارزش (گرد) C.P، از انواع چهارگانه قبل در K.P استفاده میشود.

کنتر فاگوت [Kontr-Fàgot]: از آلات بادی چوبی غربی با صدای یک اکتاو بم تر از فاگوت. دارای لوله هائی بطول تقریبی ده متر.

کنزالالحن، کتاب [Ketàbe Kanz-al-alhàn]: کتابی در خصوص موسیقی که توسط دانشمند بزرگ ایران عبدالقادر مراغه‌ای در سده هشتم هجری نوشته شده است. متأسفانه از این کتاب نسخه‌ای یافت نشده است.

کنسرت [Konsert]: کلمه کنسرت، در لغت به معنای هماهنگی و اتحاد و یگانگی است و در ایتالیائی، کنچرتو تلفظ میشود که از کلمه لاتین **Concertare** مشتق شده است. کنسرت در سده ۱۶ به نوازندگانی که به اتفاق آهنگی را اجرا میکردند، اطلاق میشد.

کنسرتو [Koncerto]: قطعه ای برای یک ساز و ارکستر که در آن ساز تک نواز نقش سخن گوی اصلی و مجری کادانس نهائی (بدون همراهی ارکستر) را به عهده دارد.

کنسرتو گروسو [Konserto-groso]: کنسرت دو ارکستریکی کوچک (۲ تا ۴ ساز) و دیگری بزرگتر و کامل تر را گویند.

کنسرتینا [Konsertina]: از آلات موسیقی بادی از خانواده آکوردئون که در سال ۱۸۲۹ میلادی در انگلستان ساخته شد.

کنسرسیونم پخش صفحه ایران، شرکت [Šerkat Konsersiyom Paxš Safhe Iran]: شرکت تولید و پخش صفحه در ایران در دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ خورشیدی که در تهران فعالیت داشت. محل شرکت در خیابان تخت جمشید روبروی دبستان فردوسی، شماره ۶۴ بود.

کنسرواتوار [Konservátoar]: مدرسه موسیقی، محل تدریس هنرهای نمایشی.

کنسونانس [Konsonāns]: فاصله ملایم و مطبوع بین دو نت موسیقی در اجرای همزمان را گویند.

کنعانی، میترا [Mitrā Kanwāni]: از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی در خرداد ۱۳۵۶، دوره دوم در رشته کارشناسی موسیقی ملی.

کنک، خواجه محمد [Xāje Mohammad Kanak]: از موسیقیدانهای مشهور نیمه دوم سده نهم در ماوراءالنهر است. او در عهد تیموری زندگی نمیکرده است.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کنکله [Kankala]: سازی است کوبه ای نظیر دف یا دایره.

کنگ [Kang]: در زبان پهلوی به چنگ اطلاق میشود.

کنگر [Kenger]: سازی است رشته ای، از رده چگور، دو تار، تنبور و احتمالاً سنتور یا قانون.

کنگرلو [Kangerlu]: نوازنده چیره دست تنبک و همدوره با رضا روان بخش و مهدی غیاثی که مدتی استاد حسین تهرانی را آموزش داده است.

کواتور [Kuàtur]: چهار قطعه موسیقی، مرکب از چهار بخش خواندنی یا نواختنی را گویند.

کوبه [Kube]: به معنی طبل و هم چنین چوبکی است که با آن طبل را می کوبند. کوبه، سازی است ضربی و آنرا دنبک نیز گفته اند. این ساز دهلی، دم دراز است که با چوب و گاهی با سفال ساخته میشود. نواختن این ساز در اسلام حرام است، چون مبلغین مذهبی در این دین اعتقاد دارند که این ساز را بهنگام شرابخواری و عیاشی مینوازند!! اسلام، نواختن طبل و دف را حرام نمیداند!!!

کوثری، علی اصغر [Ali Asqar Kosari]: علی اصغر کوثری در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در نیشابور بدنیا آمد. دوران تحصیلات متوسطه را در مشهد طی کرد و در آن شهر به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد. او از ۹ سالگی به هنر موسیقی علاقمند شد. اولین سازی را که می نواخت، ویلن بود و علاوه بر ویلن با نواختن سازهای؛ تار، سنتور و عود نیز آشنائی داشت. او مدتها، بعنوان دبیر موسیقی در آموزشگاههای مشهد کار میکرد.

در سال ۱۳۳۶ خورشیدی، تدریس ویلن در دانشسرای هنر خراسان در مشهد به او محول گردید. علی اصغر کوثری در بدو تأسیس رادیو خراسان همکاری خود را با این مؤسسه آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷، در مشهد اقدام به باز نمودن آموزشگاه آزاد موسیقی باربد نمود.

کوثری همدانی [Kosari Hamadani]: میرعقیل کوثری از شاعران سده یازدهم هجری است. او در آغاز بزمی و سپس کوثری تخلص میکرده است. این شاعر بدربار شاه عباس بزرگ بستگی داشت. از او منظومه‌ای بنام فرهاد و شیرین وجود دارد که در سال ۱۰۱۵ هجری آنرا پایان برده است. این کتاب به شماره Or. 342 در کتابخانه موزه بریتانیا و نسخه دیگری از آن به شماره Supp 688 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

کوچک [Kucak]: از جمله دوازده مقام موسیقی قدیم ایران است. لطفاً به اصفهانک نگاه کنید. در موسیقی امروز ایران کوچک تحریری در دستگاه شور است.

کوچک



کوچه باغی [Kucebaqi]: از گوشه های دستگاه شور و آواز دشتی. کوچه باغی، نشانه مقامی از موسیقی خراسان است که هیچ ارتباطی میان آن با کوچه باغی موسیقی اهل حق نیست.

کوچه باغی



کوراکه یا کورکه [Kureke ya Kurke]: سازی است کوبه‌ای از رده طبل به بلندی قد انسان که

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) واث‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

معمولاً دو عدد آنرا کنار هم گذاشته و دونفر نوازنده آنرا می نوازند.

کور ارموی، احمد [Ahmad Kur Armavi]: شیخ احمد عاشق کور ارموی، شاعر آذربایجانی نابینا در رضائیه بدنیا آمد. اشعار بسیاری از او باقی مانده است.

کور اوغلی [Koroqli]: از گوشه های ضربی دستگاه ماهور. نام دیگر آن کرلی است. این گوشه در مقدمه دستگاه ماهور، به جای پیش درآمد هم زده میشود.

کور اوغلی



کورس [Kuros]: خواننده مشهور پس از انقلاب در آمریکا که سالها با هنرمندی بنام اندی همکاری داشت و در سالهای اخیر هرکدام مستقلاً فعالیت دارند. از کورس در سالهای اخیر آلبومهای متعددی اجرا و ضبط و پخش شده است از آن جمله:
خدا حافظ با اندی، نسل من (مستقل) و یاغی (مستقل).

کورها [Kurhà]: دسته مطرب مرکب از چهار مرد و دوزن به سرپرستی کریم که از معروفیت خاصی در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه برخوردار بودند. کریم از نوازندگان زیردست تار و کمانچه بوده است. سه مرد همکار او یکی ضرب و دو تن آنان دف میزدند. دختر کریم هم که در این گروه شرکت داشت کمانچه میزد و زن دیگر هم می خواند.

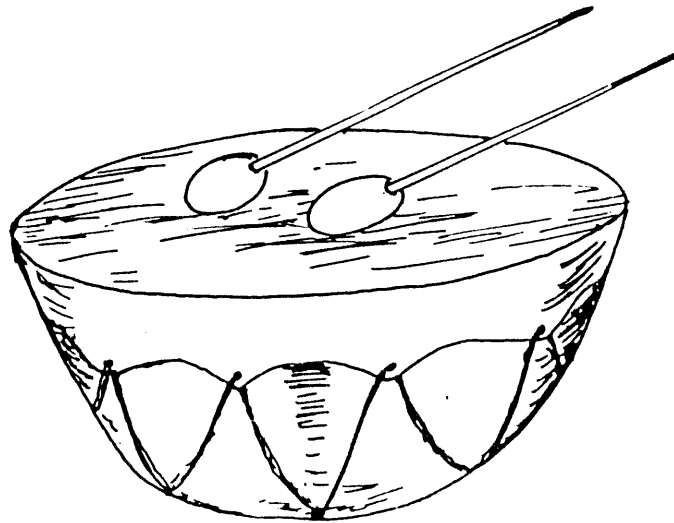
کوزه [Kuze]: از سازهای قدیمی در بلوچستان است که امروزه در شرف نابودی است و کمتر از آن استفاده میشود. جنس آن از سفال بوده و پوست آن از پوست بز است.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddan) I,i ایران (Iran) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کوس [Kus]: بزرگترین ساز کوبه‌ای است و آن کاسه بزرگی از روی یا مس میباشد که بر دهانه آن پوست گاو یا گاو میش کشیده اند.

گاهی کاسه صوتی این ساز را از روی میساختند که در این صورت به آن کوس روپین می گفتند. کوس، سازی است رزمی با صدائی مهیب که ارتعاشات صوتی آن صدمات جدی به کوس نوازان وارد میسازد. اشکال این ساز در دیوارهای چهل ستون مربوط به عهد صفویه وجود دارد.



کوس عصر صفوی (از نقاشی رسم شده بر یکی از دیوارهای چهل ستون اصفهان)

کوسان نواگر [Kusân Navâgar]: از نوازندگان و خوانندگان در زمان ساسانیان بوده است. او درنی نوازی مشهور و فخرالدین اسعد گرگانی در کتاب ویس و رامین از او نام برده است.

کوس خانه [Kus xâne]: محل نواختن نقاره را گویند.

کوشاد پور، سوسن [Susan Kušâdpour]: از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی در خرداد ماه ۱۳۵۸، دوره چهارم در رشته کارشناس موسیقی ملی.

کوشکانی، ابوتراب (حسین) [Abutorâb Kuškâni]: ابوتراب کوشکانی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در بوکان بدنیا آمد. در کودکی به تهران آمد و از آن زمان به موسیقی علاقمند گشت و از ۷

وات های (النسای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdân) وحدان O,o V,v (Cub) جوب U,u C,c (Zale) زاله Z,z
 (Xayyam) خیام X,x Y,y (Qarq) غرق Q,q (Jamw) جمع W,w J,j (Sarkes) سرکش S,s K,k Ā,a (Ādam) آدم A,a
 (Zale) زاله Z,z (Cub) جوب U,u C,c (Vojdân) وحدان O,o V,v (Iran) ایران I,i (Sarkes) سرکش S,s K,k Ā,a (Ādam) آدم A,a

سالگی به کلاس استاد اسداله ملک رفت و مدت دو سال نزد او کار کرد. پس از چندی، فراگیری و نواختن کمانچه را نزد کامران داروغه آغاز نمود. بنا به توصیه زنده یاد حبیب اله بدیعی به کلاس موسیقی چنگ به سرپرستی استاد جهانگیر کامیان رفت و سه سال به تکمیل اندوخته های هنری خود پرداخت. ابوتراب کوشکانی در حال حاضر یکی از صنعتگران ماهر در امر ساخت و تعمیر ویلن است.

کوشکانی، امیر [Amir Kuškāni]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان داریوش پیرنیاکان و هوشنگ ظریف بود. امیر در کانادا زندگی می کند. او دو برادر هنرمند بنامهای علی و ابوتراب دارد.

کوشکانی، علی [Ali Kuškāni]: نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان ممتاز استاد حسین ملک است. علی کوشکانی در حال حاضر در کانادا زندگی می کند.

کوک [Kuk]: سامان دادن تارهای ساز را گویند.

کوک بخارا [Kuke Boxārā]: از کوک های تنبور خراسانی است. در این کوک، اختلاف ارتفاع دوتار، برابر یک پرده به اضافه یک لیما است، یعنی، دست باز تار دوم تنبور با پرده «ص» از تار اول همصدا میشود. حدود ردیف درجه ها در این کوک، برابر یک اکتاو و به اضافه یک چهارم است، و در آن سی صدا وجود دارد که دوازده تای آنها مشترک و هجده تا غیر مشترک هستند.

کوکب [Kokab]: بنگاه موسیقی در تهران در دهه ۱۳۳۰ که به همت جهانگیر برزین تأسیس شده بود و به کار آموزش هنر موسیقی می پرداخت. با بنگاه شادمانی اشتباه نشود.

کوکب سبیلو [Kokab Sebilu]: مادر سماع حضور که از دسته نوازندگان منزل حاجی علی مقدم در عهد ناصرالدین شاه بود.

کوکبی، احمد [Ahmad Kokabi]: خواننده مشهور قدیمی و همدوره با ستار روشن، رضا شاه مرادی و منوچهر شفیعی.

کوک پنجم [Kuke Panjom]: از کوک های تنبور است که در آن، اختلاف ارتفاع دست باز دو تار برابر یک پنجم است. حدود صداهای تنبور در این کوک، یک اکتاو و یک ششم است، که دارای سی و چهار صدا میشود.

کوک عود [Kuke Ud]: در این کوک، اختلاف ارتفاع دو تار دست باز، برابر یک چهارم است. حدود صداهای عود، یک اکتاو و یک پنجم و شامل سی و دو نت میشود.

کوک گیلانی [Kuke Gilāni]: از کوک های تنبور خراسانی است. در این کوک، اختلاف ارتفاع بین دو تار دست باز تنبور برابر دو لیما است. در این کوک ۳۵ صدا وجود دارد.

کوک لیما [Kuke Lima]: از کوک های تنبور خراسانی است. در این کوک، اختلاف بین دو تار دست باز تنبور، برابر یک لیما است، در این کوک ۲۸ صدا وجود دارد، ۱۴ صدای مشترک و ۱۴ صدای غیر مشترک. لطفاً جهت آگاهی بیشتر به لیما نگاه کنید.

کوک معمولی [Kuke Mawmuli]: در این کوک که بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد، اختلاف ارتفاع دو تار برابر یک پرده $\frac{9}{8}$ است. این کوک دارای ۲۴ صدا است. هجده صدای مشترک و شش صدای غیر مشترک.

کوک هفتم کوچک [Kuke Haftome Kucak]: در این کوک، اختلاف ارتفاع دست باز دو سیم برابر یک هفتم کوچک (دو - سی بمل) است. حدود صداهای تنبور در این کوک، به دو اکتاو کامل میرسد که همان حدود موسیقی قدیم ایران است. در این کوک، ۳۹ صدا وجود دارد که سه تای آن مشترک و سی و شش تای آن غیر مشترک است.

کوک هم صدا [Kuke Hamseda]: از کوک های تنبور خراسانی است. صداهای موجود در این کوک ۲۱ میباشد که ۱۷ تای آنها در اکتاو اول و چهار تای آن در اکتاو دوم است.

کوک هنگام [Kuko Hengam]: در این کوک، اختلاف بین دو تار دست باز، برابر یک اکتاواست. و حدود صداها به دو اکتاو و یک پرده میرسد.

کوما [Kumá]: فاصله پرده به ۹ قسمت تقسیم شده است و یک نهم پرده را کوما گویند.

کوهساری، مولانا علی [Molaná Ali Kuhsári]: از خوانندگان مشهور عصر صفویه بوده است.

کوهی [Kuhi]: از آهنگهای ضربی در موسیقی کاشمر خراسان.

کھستی نایی [Kahasti Náyí]: نوازنده معروف نپ در دوره تیموری (سده نهم هجری).

کھکیلویه [Kohkiluye]: گوشه ای است در دستگاه چهارگاه.



کهن دانی، حسین [Hoseyn Kohandáni]: نوازنده چیره دست ضرب و خواننده مشهور قدیمی و همدوره با مصطفی قراب.

کهن، عزیزاله [Aziz-olláh Kohan]: نوازنده و تعلیم دهنده ویلن در شیراز در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۰ خورشیدی.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

کهن، فروشگاه [Forusgāh Kohan]: فروشگاه و نماینده پخش صفحه های موسیقی ایرانی در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی واقع در میدان ۲۴ اسفند اول خیابان آیزنهاور.

کهنوج، موسیقی [Musiqiye Kahanug]: کهنوج در قسمت انتهائی جنوب شرقی استان کرمان واقع است.

این ناخیه به سبب همسایگی با استان های هرمزگان و بلوچستان دارای فرهنگ ویژه است. تأثیر فرهنگ بلوچی در موسیقی کهنوج چشم گیر تر است. حضور قیچک بلوچی در کهنوج که به چنگ معروف است و بسیاری از آداب و رسوم و از جمله لباس بلوچی در کهنوج بیانگر این تأثیر میباشد. از آوازهای معروف کهنوج، آواز «بیابانی» است. این آواز از یک سو با شروه های میناب هرمزگان و از سوی دیگر با موسیقی بلوچستان ارتباط دارد.

کیا اینترتیمنت [Kiyā Enterteynment]: کمپانی برگزاری کنسرت هنرمندان ایرانی در جهان که از سال ۱۹۹۱ میلادی با سرپرستی ژاکلین، فعالیت دارد. این کمپانی، مسئول برگزاری کنسرت های گوگوش در سراسر جهان است. از دیگر هنرمندان ارزشمند ایران، شهرام ناظری است که این کمپانی ترتیب برنامه هایش را داده است. دفاتر این تشکیلات در لس آنجلس، نیویورک، تورنتو کانادا و برخی از کشورهای اروپائی است.

کیان [Kiyān]: خواننده ای که از او ترانه پدر که به مناسبت درگذشت محمد رضا پهلوی، شاهنشاه ایران، خوانده شده، در دسترس میباشد.

کیانفر [Kiyānfar]: استاد تعلیم و نوازنده چیره دست سنتور در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی در بروجرد.

کیانی، عبدالمجید [Abdolmajid Kiyāni]: نوازنده چیره دست سنتور در سال ۱۳۲۰ در حومه تهران دنیا آمد. او بعد ها در زمان دبیرستان به کلاس های شبانه هنرستان آزاد موسیقی در خیابان منوچهری رفت. در آن زمان، سرپرست هنرستان، استاد محمد علی امیرجاهد بود.

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

او سالها نزد استاد منوچهر صادقی و بعد از عزیمت ایشان به آمریکا، نزد محمد حیدری به آموختن سنتور پرداخت. او لیسانس خود را در سال ۱۳۴۹ از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران دریافت کرد. کیانی در سال ۱۳۵۵ به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن در رشته موزیکولوژی بمدت سه سال تحصیل نمود. کیانی، هشت سال شیوه سنتور نوازی حبیب سماعی را نزد نورعلی خان برومند آموخت. از عبدالمجید کیانی، انتشار ۵ کاست بنام: «هفت دستگاه موسیقی ایران» ردیف آقامیرزا عبدالله به وسیله شرکت ایران صدا صورت پذیرفته است.

کیانی نژاد، فرهاد [Farhād Kiyāni-nejād]: لطفاً به مازیار نگاه کنید.

کیانی نژاد، محمد علی [Mohammad Ali Kiyāni-nejād]: محمد علی کیانی نژاد در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در بیرجند بدنیا آمد. در ۱۶ سالگی با موسیقی آشنا شد و پس از دریافت دیپلم، وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران گردید و لیسانس خود را گرفت. او از سال ۱۳۵۴ با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران، همکاری خود را آغاز نمود. محمد علی کیانی نژاد، نوازنده چیره دست نی در آزمون باربد در سال ۱۳۵۵ برنامه جایزه اول در نی نوازی گردید.

محمد علی کیانی نژاد تاکنون آهنگهای بسیاری ساخته که با صدای محمد رضا شجریان، علیرضا افتخاری، شهرام ناظری، گودرزی و ملک مسعودی ضبط و پخش گردیده است. سفر آفتاب و فراغ دیار از کارهای زیبای این هنرمند گرانقدر است.

کیائی، ایرج [Iraj Kiyāwi]: نوازنده زبردست سنتور و از شاگردان استاد ابوالحسن صبا. ایرج، برادر بزرگ بهمن و میلاد کیائی است.

کیائی، بهمن [Bahman Kiyāwi]: مهندس بهمن کیائی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. بهمن از ۶ سالگی، سنتور را ابتداء نزد پدر و سپس نزد برادر بزرگ خود ایرج آموخت. بهمن کیائی دوران دبیرستان را در کالج البرز گذراند، سپس به دانشکده فنی دانشگاه تهران رفت و در رشته مهندسی معدن به اخذ فوق لیسانس نائل شد.

بهمن کیائی، علاوه بر سنتور، با نواختن پیانو نیز آشنائی کامل دارد. او نواختن پیانو را نزد خانم پری

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) O,o V,v C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Zāle)

برکشلی در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران آموخت. مهندس بهمن کیائی در حال حاضر در نیویورک زندگی می‌کند. مهندس بهمن کیائی در امر دریانوردی هم مقام استادی دارد.

کیائی، گرگین [Gorgin Kiyāwi]: گرگین کیائی؛ نویسنده، شاعر، خطاط، نقاش، نوازنده چیره دست تار و سنتور، بازیگر تاتر و سینما در سال ۱۲۷۰ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. گرگین پس از پایان تحصیلات ابتدائی به بلژیک رفت و در رشته ریاضیات و ادبیات زبان فرانسه به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن تحصیلات عالیه به ایران بازگشت.

گرگین کیائی در فیلم دکتر اسماعیل کوشان «طوفان زندگی» نام خود را بعنوان: اولین پدر سینمای ایرانی به ثبت رسانید.

او در بیش از ۱۶ فیلم سینمایی شرکت کرد. از آن جمله: چهار راه حوادث، زندانی امیر، شرمسار، دزد عشق، دسیسه و فراری.

گرگین کیائی در سال ۱۳۶۰ چشم از جهان فرو بست.

کیائی، میلاد [Milād Kiyāwi]: نوازنده چیره دست سنتور و عضوی از خانواده هنرمند کیائی (گرگین پدر خانواده، ایرج و بهمن و میلاد کیائی، پسران او). میلاد کیائی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او آموزش تار و سنتور را زیر نظر پدرش، گرگین کیائی آغاز نمود. پس از مدتی نزد حبیب اله فخیم میرود و سه سال نت و تئوری موسیقی را از او می‌آموزد. در سال ۱۳۴۳ در مسابقات هنری آموزشگاههای سراسری کشور در رشته سنتور، نفر اول میگردد.

میلاد کیائی برای اولین بار، دونوازی سنتور (دوئت) را با همکاری برادر هنرمند خود بهمن در سال ۱۳۳۸ در تالارهای فرهنگی و هنری به اجرا درآورد که در آن زمان کاری استثنائی بود.

میلاد کیائی، از بدو فعالیت هنری با هنرمندانی چون؛ علی رهبری و اسماعیل وثیقی همکاری داشت. موزیک متن فیلم؛ گریز از شهر، ساخته محمد رضا صفری در سال ۱۳۶۵ از کارهای اوست. او تاکنون بیش از ۵۰ آهنگ ساخته است.

کیایی، نظام الدین [Nezām-eddin Kiyāwi]: از صدا برداران با تجربه که در تهران فعالیت دارد.

کیخسروی [Keyxosravi]: از آوازهای باربد در دوره ساسانیان.

کیکاوس رازی [Keykâvos Râzi]: کیکاوس پسر کیخسرو از شاعران گمنام زرتشتی است که از او منظومه بزرگی بنام «زرتشت نامه» در دست میباشد. این منظومه را فردی با افزودن اشعاری به آن، بنام خودش زرتشت بهرام نام گذاشت.

این منظومه در سده هفتم هجری و توسط شاعر زرتشتی بنام کاوس کی یا کیکاوس از اهالی شهرری سروده شده است. زرتشت نامه حاوی ۱۵۰۰ بیت است. این اثر نفیس، قرن‌ها در میان فارسی زبانان مسلمان دستخوش فراموشی شده بود.

کیوان [Keyvân]: خواننده قدیمی که فعالیت هنری خود را با داریوش اقبالی و افشین مقدم آغاز نمود. اولین اجرای این سه تن ترانه معروف: تنگه غروب می‌باشد. ترانه، گل را، کیوان با افشین مقدم اجرا کرده است.

کیوان [Keyvân]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم، جنگل با هشت ترانه در آن بشرح زیر؛ جنگل، عاشق دیوانه، خوشگل من، قسم، در بدری، لیلی، شب عاشقانه و وای بحالم در دسترس میباشد.

کیوان مهر، خسرو [Xosro Keyvân - Mehr]: خسرو کیوان مهر، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۲، همکاری خود را با سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران آغاز کرد و پس از طی دوره صدا برداری بمدت ۵ سال به مرکز رضائیه اعزام شد. پس از زمان اشاره شده به تهران بازگشت. از کارهای او میتوان به ضبط موسیقی آذربایجانی و گُردی و هم چنین ضبط موسیقی آهنگسازانی چون: زنده یاد مرتضی حنانه، احمد علی راغب، میلاد کیائی، حسن یوسف زمانی، ناصر چشم آذر و خوانندگانی چون؛ محمد گل ریز، بهرام گودرزی و حسن فدائیان اشاره داشت.

کی کی [Keykey]: خواننده ای که از او آلبوم: ایران و آمریکا با ترانه های: فردا، نسل اول، شیراز، پروانه، ۵ سال، شب تهران، خواهر، کوچه، عروس و ایران و آمریکا در دسترس میباشد.

کیمنه‌ای، عثمان [Osmán Kimanei]: از خوانندگان مشهور منطقه اورامان در غرب ایران می‌باشد.

کیمنه ای، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Kimanei]: از خوانندگان معروف منطقه اورامان کرمانشاه.

کین ایرج [Kine-iraj]: از گوشه های دستگاه موسیقی قدیم ایران و لحن بیست و نهم از الحان بارید است. این گوشه تا حمله مغولان هم نواخته می‌شده است.

کین سیاوش [Kine-siyávaš]: لحن بیست و هشتم از الحان بارید است.

کیوان شکوه، عین اله [Eyn-olláh Keyván - šokuh]: نوازنده زبردست جاز در کانادا.

کیهانی، ابراهیم [Ebráhim Keyhání]: آهنگساز پیش از انقلاب که از او موزیک متن فیلم؛ گریز از مرگ ساخته ناصر محمدی با شرکت؛ فیروز، هاله و عبدالله بوتیمار وجود دارد. تهیه کننده این فیلم، رضا بیک ایمانوردی و سال تهیه آن ۱۳۵۲ خورشیدی بود.

کیهانی، نصراله [Nasr-olláh Keyhání]: نصراله کیهانی در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در کوچه مدرس سرچشمه تهران بدنیا آمد. در مدرسه ابتدائی، همکلاس او حسین تهرانی بود. بعدها، او به هنرستان عالی موسیقی رفت. رئیس هنرستان در آن زمان استاد علی نقی وزیری بود. همدوره‌ای های نصراله کیهانی در هنرستان موسیقی عبارت بودند از: علی محمد خادم میثاق، مهدی مفتاح، اکبر اسعدی، حسین بیگلری پور و احمد فروتن راد. کیهانی بمدت ۸ سال در مدرسه عالی موسیقی زیر نظر استاد هائی چون: سرژخوتسیف، دکتر مصطفی ادیب و اسماعیل زرین فربه تحصیل موسیقی پرداخت. او بعدها، کلاسی در خصوص تعلیم موسیقی در سرچشمه دائر نمود که تا سال ۱۳۲۰ خورشیدی فعالیت داشت. زنده یاد کیهانی در سال ۱۳۷۱ بر اثر سکته قلبی چشم از جهان فرو بست.

(کی کی) گروه [Gruhe KiKi]: گروه موسیقی فعال در لس آنجلس که از کارهای این گروه میتوان به آلبوم: Butterfly اشاره داشت.

Á,a Á,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الضای) نوین برای درست خواندن